



احراز مفهوم مسلوب‌الارادگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان

صدرا زارعی^۱، جواد ریاحی^۲، محمد حسین رجیبه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین دفاعیاتی که ممکن است در دسترس و اختیار متهمان قرار گیرد، دفاع مبتنی بر مسلوب‌الارادگی است. اولین موضوع در ارتباط با مسلوب‌الارادگی، چگونگی احراز این مفهوم و رسیدن به آن است. در حالیکه مسلوب‌الارادگی در نظام حقوقی انگلستان در مجموعه دفاعیات، مطرح می‌گردد، در نظام حقوقی ایران، مصادیق مبتنی بر مسلوب‌الارادگی را باید در بحث موانع مسئولیت کیفری بررسی کنیم. در حقوق انگلستان احراز مسلوب‌الارادگی یا ناشی از جنون است و یا سایر عوامل خارج از جنون. در ایران احراز مسلوب‌الارادگی را باید در عوامل درونی فرد و یا بیرون از خود فرد جستجو کرد. در مورد تشخیص جنون، قواعد مک ناتن در حقوق انگلستان، علی‌رغم ایراداتی که به آن وارد است، به ضوابط علمی روانپزشکی نزدیکی بیشتری دارد، در حالیکه ضابطه قانونی ارائه شده در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ایران از آموزه‌های روان‌پزشکی مدرن، فاصله زیادی دارد و باید مورد بازنگری قرار گیرد. رسیدن به مفهوم واقعی مسلوب‌الارادگی از چالش‌های هر دو نظام حقوقی است که راه‌های متفاوتی را برای حصول و رسیدن به این مفهوم طی می‌کنند. تعابیر متفاوت قانونگذار و پزشکی قانونی از مسلوب‌الارادگی در ایران، از مهمترین چالش‌هایی است که در حال حاضر وجود دارد و بایستی مرتفع گردد.

واژگان کلیدی: مسلوب‌الارادگی، جنون، مسئولیت کیفری، دفاع، مستی، خواب، بیهوشی.

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

^۲ - استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ - استادیار گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

مقدمه

اراده، داشتن اراده و اراده کردن یکی از مهمترین مباحث مسئولیت کیفری است. آنچه در معنای اراده داشتن می‌باشد، این است که فرد توانایی آن را داشته باشد که بطور آگاهانه در مورد انجام کاری تصمیم بگیرد؛ به عبارت ساده تر، توانایی خواستن داشته باشد ولی آنچه در معنای اراده کردن می‌باشد، خواستن است نه توانایی خواستن و آن زمانیست که این توانایی خواستن به انجام کاری تعلق گیرد که آنرا قصد نیز می‌نامیم. بعنوان مثال در مورد جرم قتل، این که فرد توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه برای ارتکاب جرم قتل را دارد، واجد اراده می‌باشد (اراده داشتن) و این که قادر است از این توانایی آگاهانه استفاده کند و به سمت ارتکاب جرم قتل برود و سعی در انجام آن داشته باشد، جرم قتل را اراده و قصد کرده است (اراده کردن). برای اینکه بتوان مجرم را به مجازات جنایات عمدی محکوم کرد، باید امکان اسناد فعل ارتكابی به اراده جانی، وجود داشته باشد. به‌گونه‌ای که بتوان فعل بزه‌کار را ناشی از اراده سالم وی دانست. لذا، نه تنها باید قدرت بر فعل، به عنوان جزء متشکله عنصر مادی، در فرد وجود داشته باشد، بلکه باید قدرت بر نفس نیز که جرم را از لحاظ معنوی به فرد منتسب می‌دهد، وجود داشته باشد. این قدرت بر نفس را که بعنوان رکن اساسی و پایه‌ای قصد مطرح می‌گردد، اراده می‌نامیم و فقدان آن را مسلوب‌الارادگی می‌نامیم. وقتی اراده وجود ندارد، صحبت از تعلقش به فعل و ایجاد قصد موضوعیت ندارد. بنابر این عوامل تزلزل رکن روانی ناشی از عدم امکان اسناد معنوی متنوع و مختلف است که برخی به اختلال در اراده و برخی دیگر به قوه تشخیص و ادراک بر می‌گردند. در چنین حالاتی است که می‌توانیم صحبت از مسلوب‌الارادگی بنماییم. خواب، بیهوشی، اجبار معنوی و مستی از مهمترین علل ایجاد کننده وضعیت مسلوب‌الارادگی شناخته می‌شوند. تشخیص مفهوم مسلوب‌الارادگی، مصادیق آن، ارتباط آن با مفاهیم مشابه از قبیل اختیار و اثر آن بر مسئولیت کیفری، اهمیت بحث مسلوب‌الارادگی را می‌رساند، به عنوان مثال قانونگذار ایران در بحث از مستی، در هر دو بخش کلیات و قتل، مواد ۱۵۴ و ۳۰۷، از اصطلاح مسلوب‌الارادگی استفاده کرده است. مشخص نیست که آیا قانونگذار اختیار را در معنای واقعی آن و به عنوان مفهومی مستقل از اراده به کار برده است یا خیر؟ قانونگذار در ابتدای ماده ۱۵۴ مستی را در معنای بی‌ارادگی به کار برده است. آنچه در مستی باعث رفع مجازات از شخص مست می‌گردد، زوال اراده است نه اختیار، هر چند که با زوال اراده صحبت از اختیار، معنا ندارد، ولی فی الواقع، عامل رفع مجازات، زوال اراده می‌باشد. همچنین قانونگذار در ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی در بحث از اجبار

معنوی، از واژه اختیار استفاده کرده است. سوال این است که در اجبار معنوی چه چیزی زایل می‌گردد که به تبع آن مسئولیت نیز مرتفع می‌گردد. خود مفهوم مسلوب‌الارادگی، تمیز آن از مفاهیم مشابه و همچنین تعیین مرز مسلوب‌الارادگی از موارد مجهول و مبهم نظام حقوقی ایران است. مسلوب‌الارادگی در نظام حقوق جزای انگلستان نیز، بحث بسیار مهم و اساسی را تشکیل می‌دهد. در این کشور علاوه بر قوانین موجود، آراء متعددی نیز صادر گردیده است که تا حدی ابهامات مربوط به مفهوم و آثار مسلوب‌الارادگی و تمیز آن از موارد مشابه را کاهش داده است، ولی هنوز برخی از این ابهامات از جمله مرز دقیق رسیدن به مسلوب‌الارادگی باقی است. در این کشور جوهره دفاع مسلوب‌الارادگی این است که عمل بوسیله ماهیچه‌ها (اعضا و جوارح متهم) انجام شده، اما در زمان وقوع عمل، اعضا و جوارح او تحت مهار یا هدایت روان خود آگاه و ذهن هوشیار او نبوده اند. مهمترین و بهترین مثالهای مسلوب‌الارادگی عبارتند از؛ از دست دادن هوشیاری، تکان یا ضربه مغزی، اغمای ناشی از کاهش قند خون و سایر بیهوشی‌های موقت، همچنین اعمالی که در حال خواب گردی یا در جریان یک کابوس انجام می‌شوند نیز رفتارهای خارج از اراده تلقی می‌گردند.

شناخت مفهوم واقعی مسلوب‌الارادگی و همچنین بازشناسی آن از مفاهیم مشابه در یک بررسی تطبیقی و مطالعه دو نظام مجزا بهتر صورت می‌پذیرد. در هر دو نظام حقوقی در مواردی، اعمال متهم در برخی حالت‌ها و هیجانات روانی، از ذهن غیر هوشیار وی سرچشمه می‌گیرد و بر این اساس آیا می‌توان با اتکا به دفاع بی‌ارادگی، متهم را تبرئه کرد و یا میزان مسئولیت وی را کاهش داد. مقایسه تطبیقی بین دو نظام حقوقی در خصوص مفهوم مسلوب‌الارادگی، ما را به درک بهتر این مفهوم کمک خواهد نمود که در این مقاله درصدد این بررسی و تطبیق هستیم.

بند اول: مفهوم شناسی

مفاهیم اولیه و اساسی مورد نیاز که بایستی مورد تبیین و تعریف قرار گیرند به شرح ذیل می‌باشند.

الف: مفهوم دفاع در حقوق ایران

کلمه دفاع از نظر لغوی به صورت‌های ذیل معنا شده است. این معانی مختلف را از فرهنگ لغت آنلاین آبادیس^۱ گرفته‌ایم. از دستبرد دشمن (انسان، حیوان) حفظ کردن. (فرهنگ فارسی

^۱-abadis

۳۵۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

معین). بازداشتن. پس زدن. دفاع به معنی اخص؛ چنین است که مدعی علیه، حقوق ادعائی مدعی را انکار کند.^۲ در کل می‌توانیم از مجموع معانی لغوی بیان شده برای دفاع، معنای لغوی آن را، دفع کردن و راندن و پاسخ دادن بدانیم. دفاع یک اصطلاح بسیار پرکاربرد در حوزه‌های مختلف است، منظور از معنای اصطلاحی دفاع در این جا، معنای حقوقی آن و بلکه به طور اخص معنای آن در حقوق کیفری است. دفاع به معنی اعم در عالم حقوق به این مفهوم است که؛ در رابطه دو شخص در دعوا، مطرح می‌گردد و عبارت از ایراد گرفتن به ادعایی است که توسط شخصی علیه وی مطرح شده است. به عبارت دیگر هرگونه پاسخگویی نزد هر مرجع قانونی، برای پاسخ دادن به هر ادعایی را دفاع می‌نامند.^۳ لیکن در حقوق کیفری، دفاع ضمن این که از این مفهوم کلی تبعیت می‌کند، معنای بسیار خاص‌تری نیز پیدا می‌کند. حق دفاع مجموعه تضمینات قانونی و قضائی است که برای متهم وجود دارد.^۴

۱: عوامل مانع مسئولیت کیفری

هر امری که مسئولیت کیفری را به هر دلیلی از بین برده و یا در آن نقصانی ایجاد نماید، یک مانع برای مسئولیت کیفری است. قانونگذار ایران نیز در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنین دیدگاهی به این موضوع داشته است و به همین دلیل تمامی این عوامل را در فصل دوم از بخش چهارم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان کلی «موانع مسئولیت کیفری» قید کرده است. عوامل رافع مسئولیت کیفری، معاذیر قانونی و علل موجهه جرم، به عنوان موانع مسئولیت کیفری شناخته می‌شوند. ارتکاب هر رفتاری که نقض یکی از مقررات جزایی به شمار می‌آید، ممکن است در بعضی از موارد به اعمال واکنش اجتماعی منجر نشود؛ چراکه برای تحقق این امر در برابر هر رفتار ابتدا باید مسئولیت متهم احراز شود، زیرا مجازات افراد فاقد مسئولیت بی‌فایده و غیرمنصفانه است، همچنین رفتار شخص در شرایطی خاص و با ظاهری مجرمانه ممکن است، در جهت احقاق یک حق یا انجام تکلیف صورت گرفته باشد، که در چنین حالتی نیز رفتار فرد واکنش اجتماعی را در پی نخواهد داشت، در مقررات جزایی مجموع این عوامل که مانع شکل‌گیری مسئولیت کیفری برای فرد می‌شود را «عوامل مانع شکل‌گیری مسئولیت

^۱ - <https://dictionary.abadis.ir/fatofa/دفاع/>

^۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، ترمنیولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش، چاپ سی ام، ص ۱۱۶

^۳ - شمس، عبدالله، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی پیشرفته، تهران، دراک، جلد اول، چاپ سی و هشتم، ص ۹۳

^۴ - حسینی، سیدرضا، (۱۳۸۰)، حق دفاع متهم، مجله دادرسی، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۸۰، ص ۸۳

کیفری» برای شخص نامیده‌اند، به دسته اول از چنین موانعی «عوامل رافع مسئولیت کیفری»، و به دسته دوم علل موجهه جرم می‌گویند.^۱ در کنار این دو اصطلاح «معاذیر قانونی» نیز مطرح می‌گردد.

۲: عوامل رافع مسئولیت کیفری

علل رافع مسئولیت کیفری، علل و عواملی هستند که نافی قابلیت سرزنش متهم بوده، و از این جهت مجازات که دایر مدار قابلیت سرزنش مرتکب جرم است را، منتفی می‌نماید. به عبارت بهتر یک دفاع مبتنی بر علل رافع مسئولیت کیفری، از لحاظ ماهیت، ادعایی است، مبنی بر اینکه اگرچه مرتکب موجب وارد آوردن ضرری به جامعه شده است، او نباید برای ایراد آن ضرر مجازات شود. عوامل رافع مسئولیت^۲، شرایط و خصوصاتی که در شخص فاعل جرم مانع از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به وی شده و به عدم مسئولیت و مجازات او منجر می‌شود. عوامل رافع مسئولیت کیفری شامل کودکی، جنون، اجبار، اکراه، اضطرار، اشتباه، مستی، خواب، بیهوشی می‌شود.^۳

۳: معاذیر قانونی

به طور کلی معاذیر قانونی چندان بحث ماهوی ندارد؛ زیرا در معاذیر قانونی، جرم باتمام ارکان و عناصر آن واقع شده است و مرتکب نیز قطعاً مسئولیت کیفری دارد و علت مجازات نشدن او تنها اتخاذ یک عامل سیاست کیفری سنجیده است، و در این موضوع تردیدی وجود ندارد. در واقع در معاذیر قانونی که پس از وقوع جرم و حدوث ضرر و زیان فردی و اجتماعی، مطرح می‌گردد مرتکب در ارتکاب رفتار مجرمانه از هیچ توجیهی برخوردار نیست. به علاوه از شرایط مسئولیت از جمله عقل، بلوغ، اختیار و... نیز برخوردار است و به زعم نداشتن توجیه و قابل سرزنش بودن او از تحمل مجازات معاف می‌گردد؛ بنابراین در معاذیر که ناظر به ملاحظیات سیاست جنایی و فایده اجتماعی همچون تشویق به کمک به کشف جرائم خاص و یا جلوگیری از ادامه عملیات مجرمانه است، شخص تیرئه نمی‌گردد، بلکه از تحمل مجازات به صورت کلی یا جزئی مصونیت می‌یابد. معاذیر قانونی به جرائم خاص تعلق می‌گیرد و به هیچ وجه عمومیت ندارد. به علاوه، اثر معاذیر قانونی یکسان نیست؛ یعنی درست است که عذر،

1- Melhizer, Eugene R (۲۰۰۶), Group Statute and Criminal Defenses, Missouri Law, p 38.

2- Excusatory Conditions

۳ - حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۴)، مقاله مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری، ص ۴۲

۳۵۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

سبب امحای مجازات می‌گردد، لیکن قاضی می‌تواند اگر اوضاع و احوال جرم و یا حالت خطرناک بزه‌کار ایجاب کرد، در مواردی به صدور حکم اقدام تأمینی دست بزند. برای مثال، حکم به اقامت اجباری مفسد نادم پس از اثبات تقصیر و ثبوت جرم او بی اشکال است؛ مشروط بر آنکه با توجه به رفتار او حالتی خطرناک مشهود باشد. ولی در مواردی دیگر نظیر وضع مأمور معذور، قاضی ممکن است کمتر مناسبتی برای صدور حکم اقدام تأمینی یابد.^۱

۴: علل موجهه جرم

عوامل موجهه جرم عبارت است از شرایط و اوضاع و احوالی عینی است که وصف مجرمانه را از رفتاری که در شرایط عادی جرم است، برداشته و صورتی غیر قابل سرزنش به آن می‌دهد.^۲ علل موجهه جرم، علل و عوامل عینی هستند که به جهت جلوگیری از ضرر بیشتر یا تحقق منفعت عالیت‌ر سبب موجه شدن عمل کلیه شرکا و معاونین جرم می‌شود و عملی که در حالت عادی جرم محسوب می‌شود، تحت شرایطی از نظر اجتماعی مجاز بوده و سزاوار مسئولیت کیفری و حتی سرزنش نباشد. در واقع علل موجهه جرم، عمل مرتکب برخوردار از مصلحت و منفعت اجتماعی بوده و به این علت نه تنها قابل مجازات نمیباشد، بلکه مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرد عمل موجهه، عملی است که انجام آن خوب یا درست، یا معقولانه یا مجاز است.^۳ علل موجهه جرم، اوضاع و احوال خاصی هستند که موجب زوال وصف قانونی یک فعل ارادی ضداجتماعی می‌گردند؛ به نحوی که وجود آن اوضاع و احوال، در جهت اعمال یک حق و یا اجرای تکلیف تلقیمی‌گردد و فقدان آن اوضاع و احوال موجب احراز و تحقق جرم می‌گردد.^۴

ب: مفهوم دفاع در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان کلمه دفاع با واژه *defence* بیان می‌گردد. لازم و ضروری است تا مفهوم لغوی، اصطلاحی و انواع و اقسام آن را در حقوق انگلیس بیان کنیم. در خصوص معنای لغوی

۱ - اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ ۲۱، تهران، نشر میزان، ص ۲۱۲

۲ - حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۴)، مقاله مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری، ص ۳۹

۳ - Dressler, J. (1995), Justifications and Excuses, A Brief Review of the Concepts and the Literature, Wayne Law Review, p 182.

۴ - گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۱)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان. چاپ بیست و دوم،

کلمه **defence** که جمع آن نیز **defences** به معنای دفاعیات است در فرهنگ لغت آکسفورد آمده است: «اقدام برای مقابله یا جلوگیری از یک حمله^۱». ^۲ در فرهنگ لغت کمبریج آمده است: «حفاظت و حمایت در مقابل حمله، انتقاد و تجاوز^۳». ^۴ در فرهنگ لغت کولینس نیز تقریباً به همین صورت معنا شده است و آمده است: «عملی است که به حمایت از یک شخص یا یک چیز در مقابل حمله صورت می‌پذیرد^۵». ^۶ به طور کلی می‌توانیم معنای لغوی آن را در زبان انگلیسی، حمایت از هرگونه حمله تلقی نماییم، که در ابعاد مختلف می‌تواند مطرح شود. معنای اصطلاحی «دفاع» در حقوق انگلستان از معنای لغوی آن دور نیفتاده است. در حقوق کیفری انگلستان، دفاعیات به مفهوم تلاش‌ها و استدلال‌هایی است که از طرف متهم و وکیل مدافع وی در دادگاه مطرح می‌شود تا از اتهامی که به وی نسبت داده شده است، رهایی یابد و خلاص شود.^۷ متهم و وکیل مدافع وی از زمانی که شخص در معرض اتهام قرار می‌گیرد، اقداماتی را انجام می‌دهند که در مجموع دفاعیات نامیده می‌شود. در این معنا حتی سکوت متهم در مرحله تحقیقات، نیز یک نوع دفاع محسوب می‌گردد.^۸ اما جدای از این مفهوم عام و کلیددفاعیات در حقوق کیفری انگلستان، در یک معنای خاص، منظور از دفاعیات، اقداماتی است منجر به از بین رفتن و یا کاهش مسئولیت کیفری می‌گردد و ممکن است متهم در هر یک از مراحل دادرسی کیفری به آنها متوسل شود.^۹ به طور کلی در حقوق انگلستان، منتفی شدن مسئولیت کیفری و یا کاهش و تقلیل آن در ارتباط با بحث دفاع، مطرح می‌گردد. هرگونه

۱- The action of defending from or resisting attack.

۲- <https://en.oxforddictionaries.com/definition/defence>

۳- protection or support against attack, criticism, or infection

۴- <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/defence>

۵- Defence is action that is taken to protect someone or something against attack

۶- <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/defence>

۷- Reed, Alan and Bohlander, Michael, (2014), *General Defences in Criminal Law: Domestic and Comparative Perspectives*, Ashgate publishing imitated, P 19.

۸- Gardner, John, (2007), *Offences and Defences: Selected Essays in the Philosophy of Criminal Law*, Oxford University Press, First Edition, P 59.

۹- Child Jogn, Ormerod David, (2017) *Smith, Hogan, and Ormerod's, Essentials of Criminal Law*, Oxford University Press, Second Edition, P 214

۳۵۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

انتفا و یا تقلیل مسئولیت کیفری، مستلزم وجود یک نوع دفاع خاص در آن حوزه است. مفاهیمی که در نظام‌های حقوق کیفری رومی‌ژرمنی در قالب مفاهیمی از قبیل عوامل رافع مسئولیت کیفری، علل موجه جرم و معاذیر قانونی بیان می‌گردند، در نظام حقوقی انگلستان همگی در بحث دفاعیات مطرح می‌گردد و همه این عوامل که مانع مسئولیت کیفری و یا تقلیل دهنده آن هستند، در نظام حقوق انگلستان، تحت عنوان دفاع مطرح می‌گردند. «نظام حقوق جزای تدافعی»^۱ نیز نظامی مبتنی بر دفاعیات است.^۲ در نظام حقوقی انگلستان، تقسیم بندی‌های بندی‌های مختلفی از دفاعیات در حقوق کیفری وجود دارد. تقسیم دفاع به دفاعیات تام، دفاعیات ناقص، دفاعیات عمومی و دفاعیات خاص از جمله مهمترین تقسیم‌بندی‌هایی است که در نظام حقوقی انگلستان مورد پذیرش قرار گرفته است، که هر یک را به اختصار شرح می‌دهیم.

۱: دفاعیات تام^۳

منظور از دفاعیات تام، آن دسته از دفاع‌هایی است که اگر مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد، موجب از بین رفتن کامل مسئولیت کیفری و مرتفع شدن کامل آن می‌گردد.^۴ اثر و ارزش برخی از دفاعیات به نحوی است که مسئولیت کیفری را به طور کلی منتفی می‌کند. به عنوان مثال یک دفاع موفق مبتنی بر جنون، موجبات رفع مسئولیت کیفری را به طور کامل و تام فراهم می‌کند.^۵ همیشه اولین برداشتی که از دفاع در نظام حقوقی انگلستان صورت می‌پذیرد، دفاع تام می‌باشد. متهم و یا وکیل به دنبال آن هستند که در صورت امکان، یک دفاع تام را ارائه دهند تا مسئولیت کیفری به طور کامل منتفی گردد.

۱- Defensive criminal law

^۲ -نسرین، مهرا، (۱۳۹۲)، دانشنامه حقوق کیفری انگلستان، تهران، میزان، چاپ اول، ص ۱۵۹

۳-Complete Defences

۴- Gardner , Thomas and Anderson, Terry,(2008), Criminal law, Creighton

University School of Law, Printed in the United States of America, Tenth Edition. P 126

۵- Mscheb,Hohn,(2012), Criminal law, University College of Law,Sixth Edition , Publisher/Executive Editor: LindaSchreiber-Ganster, P 399

۲: دفاعیات ناقص^۱

دفاعیات ناقص که به آنها دفاعیات جزئی نیز گفته می‌شود، به آن دسته از دفاع‌هایی گفته می‌شود که، مسئولیت کیفری^۲ را نه به طور کامل، بلکه به صورت نسبی و جزئی کاهش می‌دهد و یا به عبارت دیگر مسئولیت کیفری را فقط تقلیل می‌دهد.^۳ به عنوان مثال در اتهام قتل عمدی^۴، دفاع‌های مبتنی بر تحریک^۵ و مسئولیت تقلیل یافته^۶ و دفاع مبتنی بر پیمان خودکشی جمعی^۷، از جمله دفاع‌هایی هستند که ناقص و جزئی محسوب می‌گردند و فقط موجب تقلیل و کاهش محکومیت از مجازات قتل عمد به مجازات قتل غیر عمد ارادی^۸ می‌گردند. اثر مهم هر یک از این سه دفاع این است که محکومیتبه قتل عمدی را به محکومیت به قتل غیر عمدی تبدیل می‌کند. در حالیکه مجازات قتل عمدی، مجازات حبس ابد اجباری^۹ است، هر یک از این سه دفاع ناقص موجب می‌شود تا متهم به قتل غیرعمد ارادی محکوم گردد که مجازات آن در اختیار دادگاه قرار می‌گیرد و می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال از برائت کامل تا حبس ابد باشد.^{۱۰} وجه ناقص و یا جزئی در این گونه از دفاعیات، در اثری است که در مسئولیت کیفری دارد. این اثر تام و کامل نیست تا مسئولیت کیفری را به طور کلی منتفی سازد، بلکه ناقص و جزئی است و فقط خدشه‌ای را بر مسئولیت کیفری وارد می‌کند.

۱- Partial Defences

۲-Criminal Responsibility

۳- ALEXANDER KNOOPS, GEERT-JAN,(2008), DEFENSES IN CONTEMPORARY INTERNATIONAL CRIMINAL LAW ,Koninklijke Brill NV, Leiden, The Netherlands.Second Edition, P22.

۴-Murder

۵-Provocation

۶-Diminished Responsibility

۷-Suicide Pacts

۸- Manslaughter

۹-Mandatory Life Imprisonment

۱۰- Elliott, Catherine &Quinn's , Frances ,(2018), Criminal Law, Pearson , Portable Documents, Twelve Edition.P 59.

۳: دفاعیات عمومی^۱

دایره رفتارهای مجرمانه در حقوق انگلستان بسیار وسیع است و گروه‌های مختلفی از جرایم را در بر می‌گیرد. در خصوص این جرایم نیز تقسیم‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است.^۲ جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم جنسی، جرایم راهنمایی و رانندگی، جرایم علیه تحقق عدالت، نمونه‌هایی از این گروه بندی‌های هستند. به آن دسته از دفاع‌هایی که در مقابل همه جرایم، فارغ از طبقه بندی و نوع آنها، قابلیت استناد را دارند، دفاع‌های عمومی گفته می‌شود. به عنوان نمونه دفاع مبتنی بر مسلوب‌الارادگی، که موضوع بحث این رساله است، قابلیت استناد در مقابل تمامی اتهامات در خصوص جرایم مختلف را دارد و از این حیث یک دفاع عمومی تلقی می‌گردد. دفاع عمومی، دفاعی است که به جرم و یا جرایمی خاصی تعلق ندارد و هر نوع جرمی را از هر نوع طبقه بندی، شامل می‌شود. به همین دلیل، تحلیل دفاعیات عمومی و یا عام، در مباحث کلی حقوق جزای انگلستان، صورت می‌پذیرد و نه در تحلیل اختصاصی جرایم خاصی. دفاعیات عمومی، دفاع‌هایی هستند که فارغ از موضوع جرم ارتكابی در اختیار متهم و وکیل وی هستند، تا به آنها استناد نمایند.

۴: دفاعیات اختصاصی^۳

برخی از دفاع‌ها، فقط در قبال اتهام نسبت به یک سری از جرایم قابلیت استناد را دارند و در سایر جرایم هیچ کاربردی ندارد، به این دفاع‌ها، دفاعیات اختصاصی می‌گویند.^۴ به عنوان مثال دفاع استناد به دفاع خودکشی جمعی، فقط در زمانی قابلیت استناد را دارد که شخص به ارتكاب قتل عمدی دیگری متهم شده است و در سایر جرایم و حتی سایر انواع قتل نیز هیچ کاربردی ندارد. این اختصاص ناشی از وضعیت‌های خاص و یا حتی اهمیت خاص برخی از رفتارهای مجرمانه دارد که در حقوق انگلستان، علاوه بر دفاعیات عامی وجود دارد و در قبال

۱- General Defences

۲- King, Peter, (2008), Crime and Law in England, Remaking Justice from the Margins, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York, P 14

۳- Private Defences

۴- Roberts, James, (2000), Crime and Punishment, IDG Books Worldwide, Inc. An International Data Group Company Foster City, CA • Chicago, P 46.

این جرایم قابلیت استناد را دارد، یک سری از دفاعیات اختصاصی نیز برای این جرایم مطرح می‌گردد.

در این تقسیم‌بندی چهارگانه از دفاعیات در نظام حقوق جزای انگلستان، می‌توانیم ترکیبات مختلفی را از حیث نوع دفاع بیابیم. به عنوان مثال یک دفاع تام ممکن است عمومی و یا اختصاصی باشد و همچنین یک دفاع ناقص ممکن است عمومی و یا اختصاصی باشد.

پ: مفهوم اراده

«اراده» یک واژه عربی است که از «رود» گرفته شده است.^۱ اراده از نظر لغوی، [اِ دَ] (ع مص، اِ مَص) اِرَادَةٌ. اِرَادَت. خواستن. (تاج المصادر بیهقی). خواست. خواسته. خواهش. میل. قصد. آهنگ. کام. دهر. (منتهی الارب) : و واقف گردان او را بدرستی اختیار کردند در آنچه جست‌های آنرا و صواب بودن بآنچه اراده کرده‌ای^۲. در فرهنگ فارسی معین ذیل کلمه «اراده داشتن» آورده شده است: صاحب عزم و اراده بودن، توانایی اعمال نظر و بر سر عقیده خود ایستادن داشتن.^۳ (در معنای مصدری) در فرهنگ عمید، اراده بدین صورت تعریف شده است: «نیرویی ارادی و نفسانی که شخص را برای رسیدن به هدف وادار به انجام عمل می‌کند. خواست، میل، قصد».^۴

بنابر این می‌توان گفت که اراده همان قدرت و ظرفیت خواستن است که براساس آن توانایی تصمیم‌گیری انسان شکل می‌گیرد.

در زبان انگلیسی، از نظر لغوی چندین واژه برای «اراده» قید شده است. این واژگان عبارتند از:

Volition، به معنای: اراده، خواست، از روی اراده، مشیت

will، به معنای: میل، ارزو، نیت، اراده، قصد، خواهش، خواست، وصیتنامه، مشیت، وصیت

animus، به معنای: عمد، عناد، نیت، اراده، قصد

^۱ - جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۸۲)، تاج اللغة، جلد یکم، تحقیق عبدالسلام هارون، تهران مؤسسه صادق،

^۲ <https://dictionary.abadis.ir/?Intype=dehkhoda,fatofa,moeen, &word=اراده>

^۳ - معین، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، جلد یکم، ص ۳۶۱

^۴ - <https://dictionary.abadis.ir/?Intype=fatoen,dehkhoda,fatofa,moeen,amid=اراده>

nisus، به معنای: تمایل، تقلا، اراده^۱

در بین واژگانی که برای اراده در زبان انگلیسی به کار می‌رود، واژه اول یعنی «Volition» بیشتر از سایر واژه‌های با آنچه که مورد بحث این مقاله، یعنی بی‌ارادگی است، ارتباط دارد. زیرا در تمام ادبیات حقوق کیفری در انگلستان، زمانی که در مقام بیان اراده و بی‌ارادگی هستند، این واژه و مشتقات آن، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بیان معنای لغوی این واژه در انگلستان، در فرهنگ لغت کمبریج این چنین آمده است^۲. «قدرت بر تصمیم‌گیری توسط خود شخص»^۳ در فرهنگ وبستر این واژه بدین صورت معنی شده است^۴. «عمل انتخاب»^۵ اشتراک معنایی لغوی، برای واژگان رایج در ادبیات فارسی و انگلیسی، که بدین منظور به کار می‌رود، را می‌توان در کلمه «خواستن»^۶ بیان کرد که اراده به معنای خواستن است. در عالم حقوق، منظور از اراده، وجود خواستن برای انجام فعلی یا خودداری از انجام آن است. برای اینکه بتوان مجرم را به مجازات جنایات عمدی محکوم کرد، باید امکان اسناد فعل ارتكابی به اراده جانی، وجود داشته باشد. به گونه‌ای که بتوان فعل بزهکار را ناشی از اراده سالم وی دانست. خواب و بیهوشی، همه انسان‌ها این را تجربه کرده اند که از زمانی که به خواب می‌روند و تا زمانی که از خواب بر می‌خیزند، هیچ گونه آگاهی نسبت به خود و محیط اطراف خود ندارند. به گونه‌ای اگر به آنها گفته شود که فلان جمله را گفته‌ای یا فلان کار را انجام داده‌ای، به کلی گفتن یا انجام آن را انکار می‌کنند. فی الواقع ممکن است بارها و بارها پیش آمده باشد که در حین خواب کارهایی را انجام داده باشیم ولی، هیچگونه آگاهی و تصویری نسبت به آن نداشته باشیم.

ت: مفهوم مسلوب الاراده

۱-

<https://dictionary.abadis.ir/?Intype=fatoen,dehkhoda,fatofa,moeen,amid&word=اراده>

۲- <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/volition>

۳- the power to make your own decisions

۴- <https://www.merriam-webster.com/dictionary/volition>

۵- an act of choosing

۶-Wil

کلمه مسلوب به معنی [م] [ع ص] (ربوده). (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). ربوده شده. (آندراج) (ناظم الاطباء) (غیاث). بر بوده. سلب شده. (ناظم الاطباء). مقلوع. مترع. ماخوذ. منسلب. مختلس. به کار رفته شده است.^۱

مسلوب‌الاراده به شخصی گفته می‌شود که فاقد اراده است و یا اینکه اراده وی به حدی مختل شده است که نمی‌توان، در خصوص وی از یک اراده مؤثر صحبت نمود. سلب اراده ممکن است ناشی از یک عامل درونی و یا اینکه ناشی از عوامل خارجی باشد.

در زیان انگلیسی آنچه که معادل مسلوب‌الارادگی تلقی می‌گردد، خودکاری می‌باشد. به نحوی اراده شخص مختل شده باشد. سلب اراده و یا اختلال شدید در اراده می‌تواند ناشی از علل مختلفی باشد. در شرایط طبیعی انتظار می‌رود که حواس فرد به روشنی عمل کند یعنی محرکهای خارجی توسط حواس پنجگانه بدون عیب دریافت شود، به نحوی که فرد قادر به شناختن محیط خود از نظر زمان، مکان، هویت افراد و وضعیت عمومی باشد، بتواند پرسشها را دریابد و در مورد آنها بیاندیشد. برای آگاهی و هوشیاری کامل باید حواس پنجگانه، رشته‌های عصبی و مغز سالم باشند. بنابر این هر ضایعه عضوی در هر یک از این قسمتها می‌تواند با هوشیاری تداخل پیدا کند. بنابر این ضربه‌های مغزی که موجب از بین رفتن بافت مغزی می‌گردد، غده‌های مغزی، سکنه‌ها که موجب کم خونی ناگهانی و از بین رفتن بافت مغز می‌شود، بیماری‌های استحال‌ه ای که در آنها سلولهای مغز به تدریج از بین می‌روند نظیر آلزایمر، مسمومیت با مواد شیمیایی، مواد مخدر و الکل موجب اختلال در هوشیاری می‌گردند. البته گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که تحت تاثیر عوامل صرفاً روان‌شناختی و نه جسمانی، هوشیاری فرد دچار اشکال می‌گردد. اختلال هوشیاری درجات و مراحل مختلفی دارند.

بند دوم: احراز حالت مسلوب‌الارادگی در حقوق کیفری ایران

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹ به بحث موانع مسئولیت کیفری اختصاص داده شده است.

با توجه به تعریف اراده، حدوث حالت‌های ذیل را می‌توانیم در نظام حقوقی ایران، جزء موارد مسلوب‌الارادگی قلمداد نماییم. براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، الف: اختلال روانی در

۱- <https://dictionary.abadis.ir/?Intype=dekhoda,fatofa,moeen,amid/> مسلوب

۳۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

حد جنون، ب: بی‌ارادگی ناشی از مستی و استعمال مواد روان‌گردان و مواد مخدر و ج: خواب و بیهوشی و مانند آن، به عنوان سه مبنای قانونی برای احراز حالت مسلوب‌الارادگی در نظام حقوقی ایران شناخته می‌شوند. جنون یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است که سبب ضایع شدن عقل و فقدان رشد می‌گردد و علاوه بر اختلال قوای عقلی، اختلال اراده را نیز به دنبال دارد و در نتیجه اختیار را نیز از بین می‌برد؛ مقصود قانون از جنون، تمام حالاتی است که قوای عقلی از آنها متأثر گردیده و در نتیجه قدرت اراده و تشخیص را به طور کامل، از بین ببرد.^۱ هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.^۲

گاهی بر اثر استعمال مواد مخدر یا سکر آور، رشد انسان از میان رفته و اراده وی ضعیف شده و در همان حالت مرتکب عمل مجرمانه ای می‌گردد؛ از اینرو مجازات چنین شخصی که فاقد شرایط مسئولیت کیفری می‌باشد، سوال برانگیز خواهد بود؛ مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست، مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.^۳

قانونگذار در تدوین قوانین جزایی و در مبحث موانع مسئولیت کیفری که یکی از موضوعات فرعی حقوق جزای عمومی است و اغلب تحت عنوان حدود مسئولیت جزائی ذکر می‌شود؛ مقرر می‌دارد، هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند.^۴

۱ - اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ ۲۱، تهران، نشر میزان، ص ۴۶

۲ - حسینی، سید محمد (۱۳۹۴) مقاله جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان.

۳ - محمد، روح الله، (۱۳۹۵)، بررسی علل و عوامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، زمستان ۱۳۹۵، دوره دوم، شماره ۴، ص ۲۳۹

۴ - خدائی، محسن (۱۳۹۲)، بررسی مستی و خواب و بیهوشی بعنوان علل رافع مسئولیت کیفری، مجله دادرسی، سال اول، ص ۴۳.

الف: احراز مسلوب‌الارادگی بر اساس اختلال روانی در حد جنون

شاید بتوان جنون را مهم‌ترین مصداق ایجاد حالت مسلوب‌الارادگی دانست. در حدی که در بیشتر موارد، وقتی صحبت از اشخاص فاقد اراده می‌شود، مجانین به ذهن مبتادر می‌شوند. جنون در بین عوامل رافع مسئولیت کیفری و به عنوان مانع مسئولیت کیفری، موقعیت خاصی دارد؛ چراکه فرد مجنون از لحاظ پزشکی مبتلا به نوعی بیماری روانی تلقی می‌شود^۱ و این ویژگی در سایر عوامل رافع مسئولیت کیفری به چشم نمی‌خورد. در حقوق کیفری ایران، مفهوم جنون به نوعی در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تبیین شده است. در این ماده آمده است: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد قوه اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود...».

ظاهر ماده قانونی حاکی از آن است که مجنون در نظر قانون گذار، کسی است که اختلال روانی او موجب از بین رفتن قوه اراده یا تمییز وی شده باشد. به تعبیر دقیق‌تر، به نظر میرسد قانون گذار به اختلال تام قوه اراده یا قوه تمییز در نتیجه اختلال روانی نظر داشته است؛ چراکه عبارت «فاقد قوه اراده یا قوه تمییز باشد» دلالت بر زوال کامل این قوا دارد و اختلال نسبی آن‌ها را دربر نمی‌گیرد. برای توضیح اختلال تام یا نسبی قوای یادشده باید گفت که اختلال تام قوه تمییز به حالتی گفته می‌شود که شخص به طور کامل نیرو و توانایی تشخیص خوب و بد را از دست داده، قادر به تفکیک و امتیاز قائل شدن بین اعمال نیست؛ همچنین، منظور از اختلال تام قوه اراده آن است که آشفتگی و برهم خوردگی کامل در نیروی قصد و اراده شخص عارض شده باشد. در مقابل، در اختلال نسبی قوه تمییز یا اراده، حالات اشاره شده به طور کامل محقق نمی‌شوند؛ برای مثال، شخصی که دچار اختلال نسبی قوه تمییز می‌شود، نه به طور کامل نیرو و توانایی تشخیص خوب و بد خود را از دست داده و نه کاملاً دارای این خصوصیت است. بنابراین با توجه به اینکه در

۱- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد (۱۳۸۵)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ دوم، تهران،

انتشارات سمت، ص ۳۳۴

۲- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد (۱۳۸۵)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ دوم، تهران،

انتشارات سمت، ص ۳۰۴

۳۶۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

اختلال نسبی قوای اراده یا تمییز، نمیتوان گفت که فرد «فاقد» این قوا میشود، باید پذیرفت که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منصرف از این نوع اختلال است.

قانون گذار در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی با بیان، هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد. به وضعیت اختلافی در مورد مفهوم و درجات مختلف اختلال روانی، خاتمه داده است^۱ و فقدان اراده و یا فقدان قوه تمیز را ملاک آن قرار داده است.^۲ در نتیجه وجود درجاتی از اراده و یا قوه تمیز در بیمار روانی، باعث می‌شود که مجنون محسوب نشود.

ب: احراز مسلوب‌الارادگی بر اثر مصرف مسکرات، مواد روان گردان و مواد مخدر

دومین وضعیتی که از نظر قانونگذار ایران، منجر به سلب اراده می‌شود، مصرف یک سری از مواد است که در کل می‌توانیم این مواد را به سه گروه، مواد الکلی (مسکرات)، مواد روان گردان و مواد مخدر، تقسیم بندی نماییم. مقنن ایران به صراحت و در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، پذیرفته است که مصرف این مواد، می‌تواند منجر به بی‌ارادگی گردد. مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست، مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. از طرف دیگر این سه گروه یعنی مسکرات، روانگردان‌ها و مواد مخدر، حصری نبوده و هر ماده دیگری که تحت هر عنوانی واجد چنین آثاری باشد و منجر به بی‌ارادگی گردد، مشمول حکم این ماده قرار می‌گیرد. در نتیجه یک نوع مهم از مسلوب‌الارادگی، بی‌ارادگی ناشی از مصرف چنین موادی است.

منظور از مسکرات در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، تمامی مواد حاوی الکل می‌باشد. الکل معمولی یا الکل اتیلیک از اقسام الکل است.^۳ مایعی است قابل اشتعال بابوی مشخص شراب و

۱- صادقی، سیدحسین، (۱۳۹۵)، تحولات مسؤولیت کیفری مجانین، تهران: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان، ۱۳۹۵.

۲- ثمری، محمد، (۱۳۹۷)، رویکرد حقوق کیفری ایران در مبتلایان اختلالات روانی خطرناک، تهران: انتشارات آریان، ص ۹۶

۳- زرگری مرندی، داریوش، (۱۳۹۲)، پژوهشی پیرامون حرمت مسکرات در متون معتبر تفاسیر قرآن مجید و آثار

و مجازات مربوطه در قوانین موضوعه، تهران: والقلم، ص ۶۰

احراز مفهوم مسلوب‌الارادگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان.....۳۶۵

طعم سوزان که از تخمیر قند میوه‌ها و ملاس چغندر به دست می‌آید و در همه نوشابه‌های تخمیری شراب، عرق و امثال آن وجود دارد که آن را الکل سفید یا اتانل می‌گویند.^۱ دومین گروهی از مواد، که از نظر مقنن ایران در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، به عنوان سبب بی‌ارادگی تلقی شده است، مواد روانگردان هستند که مصرف آنها، می‌تواند منجر به مسلوب‌الارادگی شود. مصرف مواد روانگردان، ممکن است منجر به بی‌ارادگی گردد. سومین گروه از موادی که براساس ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی به عنوان مواد ایجاد کننده وضعیت بی‌ارادگی معرفی شده اند، مواد مخدر هستند. مخدر در لغت به معنی ماده سست کننده و آنچه که اعصاب را سست و بی‌حس کند اطلاق می‌شود.^۲ و به طور خاص به ماده‌ای گفته می‌شود که موجب اختلال در حرکات ارادی و عدم تعادل رفتاری و تقویت جسمی در افراد می‌شود.

اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، ماده مخدر را اینگونه تعریف کرده است:

هر ماده‌ای که استفاده مکرر آن اعتیادآور و مضر باشد و عدم استعمال به موقع آن موجب بروز آثار محرومیت شود آن را مواد مخدر می‌گویند. سازمان بهداشت جهانی^۳ در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد کرده است که «دارو یا ماده مخدر در مفهوم کلی آن هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی است که از جمله موارد مورد نیاز بدن برای بقاء سالم آن به شمار نرفته و مصرف آن‌ها احتمال تغییری در کارکرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن را مطرح می‌سازد.»

قانونگذار در ماده ۱۵۴ مقرر می‌دارد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها،...» عبارت و نظایر آنها در این ماده، نشان می‌دهد که به جز سه گروه از موادی که مصرف آنها ممکن است منجر به بی‌ارادگی گردد، این وضعیت ممکن است ناشی از مصرف مواد دیگری هم باشد. به عنوان نمونه، انواع زیادی از چسب‌ها، حلال‌ها، پاک‌کننده‌های فرار بوده و می‌توانند به خاطر آثار روانگردان استنشاق شوند. این مواد مشتمل بر، کروزن، چسب پلاستیک و لاستیک، تینر و رنگ می‌باشد. در حالیکه این مواد برای مصارف دیگری تهیه می‌شوند، لیکن می‌توانند منجر به وضعیت بی‌ارادگی نیز گردند.

۱- دهخدا، همان، پیشین، ص ۲۷۷۶.

۲- عمید، حسن، (۱۳۶۵)، فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۲۵

۳۶۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

استفاده از هر یک از این مواد و مصرف آنها، دارای آثار متعدد و متنوعی است، لیکن اثری که مورد بحث می‌باشد، ایجاد وضعیت بی‌ارادگی و یا مسلوب‌الارادگی است. تمامی چهارگروه مواد ذکر شده، تحت شرایطی، می‌توانند منجر به ایجاد وضعیت بی‌ارادگی گردند.

مصرف مواد موضوع ماده ۱۵۴، هرچه هم کم باشد درجه قدرت فهم، دقت و ادراک را تضعیف می‌کند. می‌دانیم که، ادراک و دقت دارای درجات و مراتبی است، بایستی بدانیم مصرف مواد موضوع ماده ۱۵۴، کدام یک از این درجات را دچار اختلال می‌کند. تأثیر این مواد می‌تواند منجر به مستی تام یا همان مسلوب‌الارادگی شود و این که یک اثر نسبی داشته باشد. مسلوب‌الارادگی، هنگامی که شخص قادر به اعمال اراده خود نباشد و در واقع اراده از او سلب شود، اختلال تام در قوه‌ی شعور او پیش می‌آید. اگر منشا این حالات مستی باشد آن را مستی تام گویند. این نوع مستی مورد توجه و حمایت قانون و گذار قرار گرفته و آن را ردیف عوامل رافع مسئولیت کیفری به شمار آورده است. کاری که مستی تام می‌کند، از بین بردن قصد و رضای مجرم است. در واقع مستی یک مرحله قبل از قصد را نیز از بین می‌برد که همان ادراک است. ادارک پایه و منشاء قصد و رضا در شخص است.^۱ مستی تام موجب می‌شود که شخص درک مناسبی از زمان و مکان نداشته باشد و اصلاً شخص نمی‌داند که چه بر سر او می‌گذرد و بنابراین نخواهد توانست که تصمیم بگیرد و هر عملی که از او سر بزند را نمی‌توان به او نسبت داد. باید توجه داشت که تنها این نوع بی‌ارادگی می‌تواند از عوامل رافع مسئولیت کیفری به شمار آید.

پ: احراز مسلوب‌الارادگی بر اثر خواب، بیهوشی و مانند آن

سومین نوع مسلوب‌الارادگی که در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است، مسلوب‌الارادگی ناشی از خواب و بی‌هوشی و وضعیت‌هایی از این نوع و جنس می‌باشد. ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد، مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و

^۱ - جزائری، سیدعباس، (۱۳۹۶)، حق اطلاع، عقلانیت و مصلحت، مستی، سه گفتار در حقوق کیفری، سامان:

سامان دانش، ص ۱۰۹

^۲ - همان، ص ۱۱۰

احراز مفهوم مسلوب‌الاردگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان.....۳۶۷

یا خود را بیهوش کند.» در این ماده دو وضعیت خواب و بیهوشی نام برده شده است و در ادامه با ذکر مانند آنها، وضعیت‌های مشابه این دو را نیز مشمول ماده دانسته است. که به تحلیل آن می‌پردازیم.

خواب، حالتی است که به واسطه‌ی عارض شدن آنحواسپنچگانه از کار افتاده به نحوی که به طور معمول چشم و ذهن ناهوشیار و جسم غیر فعال می‌شود. در فرهنگ فارسی دهخدا آمده است: «نقیض بیداری، نوم، حالتی آسایش و راحت که به واسطه از کار باز آمدن حواس ظاهری و فقدان حس در انسان و سایر حیوانات بروز می‌کند، واگذاشتن نفس، استعمال حواس را به واگذاشتی طبیعی، منام، حثا، رقد، رقود، قاده، کری، سبات، نعاس»^۱.

در خصوص معنای واژه خواب در دایره‌المعارف بریتانیکا آمده است: «خواب حالتی عادی بازگشت پذیر به همراه بیاختیاری ناشی از کاهش و عدم پاسخ به حرکات خارجی است.» این تعریف که در مقابل آن حالت هوشیاری قرار دارد ناظر به خواب طبیعی است.

اصطلاح بیهوشی^۲ اولین بار در سال ۱۸۴۶ میلادی توسط الیور وندل هلمزبر مبنای منشأ یونانیان، یعنی «بدون حس»، به ویلیام مورتونپیشنهاد شد.^۳ البته، با توجه به اینکه برخی حواس اولیه حتی در بیهوشی عمیق هم باقی می‌مانند، مناسب تر است که بیهوشی را یک وضعیت بی‌حرکتی بدون درکفرض کنیم. به عبارت ساده‌تر بیهوشی از دست دادن حس درد یا آگاهی در یک عمل جراحی است. بیهوشی دارای اقسام موضعی، منطقه‌ای یا به‌طور عمومی است و بسته به نوع عمل و شرایط سلامت فرد ممکن است متفاوت داشته باشد.

مفاهیم بیهوشی و فراموشی، با مفهوم خودآگاهیگره خورده‌است. به همین صورت، فرد می‌تواند در طول بیهوشی، رؤیا(حالتی از خودآگاهی ذهنی) ببیند و بدون وجود هیچ نشانه‌ای، از فرایند بیهوشی و اتفاقات رخ داده هنگام عمل، آگاهیداشته باشد.

بی‌حسی منطقه‌ایکه در آن انتقال تکانه‌های عصبی از طریق سیستم عصبیبین بافت هدف و طناب نخاعیمتوقف می‌شود که باعث از بین رفتن حسدر بافت هدف می‌شود و بیمار کاملاً

^۱ - دهخدا، پیشین، ص ۱۴۳۲

۲- Anesthesia

^۳ - استولتینگ، رابرت، (۱۳۸۰)، اصول بیهوشی، مترجم مهدی نجفی، تهران: نشر سماط، ص ۴۸

۳۶۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

هوشیار است. ^۱ در بیهوشی کامل، شخص فاقد هرگونه اراده‌ای است و شخص بیهوش کامل، مصداق بارز مسلوب الاراده است.

ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی، بعد از عناوین خواب و بیهوشی، عبارت «مانند آنها» را به کار برده است. موارد مشمول این عبارت متعدد هستند، و ویژگی مشترک تمام آنها، فقدان قصد و اراده در شخص است. نمونه بارز و مشهور آن، هیپنوتیزم است.

هیپنوتیزم نوعی فعالیت طبیعی ذهن بهنجار است که از طریق توجه متمرکز شده، قضاوت انتقادی به طور نسبی تعلیق می‌شود و آگاهی از محیط کاهش می‌یابد. فرد بیرونی نمی‌تواند حالت خلسه را به زور در فرد تولید کند بلکه فرد در این حالت نه تنها بر قدرت انتخاب و اراده اش تسلط دارد بلکه کنترل تمامی قوای ذهنی اش را هم داراست. ^۲

بند سوم: احراز حالت مسلوب الارادگی در حقوق انگلستان

مسلوب‌الارادگی، ^۳ یک مفهوم مورد پذیرش در نظام حقوق کیفری انگلستان است. در واقع نگاه این نظام حقوقی به پدیده مسلوب‌الارادگی به عنوان یک دفاع در بحث کلی دفاعیات است. ^۴ پس از پذیرش این مفهوم کلی در نظام حقوقی انگلستان، شیوه‌های مختلف حصول مسلوب‌الارادگی و آثار متفاوت هر یک بیان می‌شود. در حالیکه در نظام حقوقی ایران، ما پس از تحلیل وضعیت‌های موجود متفاوت اعم از جنون، بی‌ارادگی ناشی از مصرف برخی مواد و بی‌ارادگی ناشی از خواب و بیهوشی و مانند آنها، به این نتیجه رسیدیم که تمامی این موارد، از آنجا که منتج به بی‌ارادگی و سلب اراده می‌گردند، تحت شرایط معین شده، مسلوب‌الارادگی نامیده می‌شوند. توسعه مفهوم مسلوب‌الارادگی در حقوق انگلستان، به طور عمده توسط رویه قضایی این کشور صورت پذیرفته است و برای درک احراز این حالت نیاز به مطالعه رویه قضایی در این کشور است.

اینکه عمل متهم باید ارادی باشد، یکی از شرایط ضروری مسئولیت کیفری است، گفته شده است که اگر اعمال متهم غیر ارادی باشند دیگر کاملاً اشتباه است که آنها را عمل توصیف کنیم

^۱ - پارود، مانوئل، (۱۳۹۶)، مبانی بیهوشی میلر ۲۰۱۸، تهران: آرتین طب، ص ۶۳

^۲ - اوزبی، ویلیام، (۱۳۷۱)، الفبای هیپنوتیزم؛ برگردان شیرین موسوی؛ به کوشش منوچهر شریفی. تهران:

فراروان، ص ۴

3-Automatism

4 - Melhizer, Eugene R, (2006), Group Statute and Criminal Defenses, Missouri Law, P9.

و یک اسم بی‌مسما است. جوهر یک رفتار یا عمل، این است که باید حرکات ماهیچه‌های انسان (متهم) توسط خود آگاه او خواسته و هدایت شده باشند که این بحث در عنصر مادی مطرح می‌شود. به همین خاطر است که اغلب نویسندگان، دفاع مسلوب‌الارادگی را به ایتترتی بتفصیل و معنی می‌کنند که در حقیقت در صورت وجود شرایط مسلوب‌الارادگی، دیگر متهم مرتکب رکن مادی نشده است. بر این اساس، پس مدعی بحث بی‌ارادگی، خیلی عمیق تراز انکار رکن روانی است و این دفاع حتی باید برای جرایمی که بطور کلی نیازمند رکن روانی نیستند، هم قابل استناد باشند. دفاع بی‌اختیاری نه تنها رکن روانی که رکن مادی جرم را هم زایل می‌کند و از این جهت، حتی در جرایمی که اساساً نیاز به رکن روانی ندارند، مثل مسئولیت بدون تقصیر یا جرایم آلودگی محیط زیست و جرایم مادی صرف یا صدور چک بلا محل هم در دسترس می‌باشد. دادگاه‌ها باید نظر قطعی خود را در موضوع اعلام کنند، اما بسیار محتمل است که دادگاه، تمایل به توسعه قلمرو مسلوب‌الارادگی به تمام جرایم حتی آنها که نیاز به رکن روانی ندارند، نیز داشته باشند.^۱

جوهره دفاع مسلوب‌الارادگی این است که عمل بوسیله ماهیچه‌ها و اعضا و جوارح متهم، انجام شده اما در زمان وقوع عمل، اعضا و جوارح او تحت مهار یا هدایت روان خود آگاه و ذهن هوشیار او نبوده‌اند. مهمترین و بهترین مثالهای مسلوب‌الارادگی عبارتند از: از دست دادن هوشیاری، تکان یا ضربه مغزی، اغمای ناشی از کاهش قندخون و سایر بیهوشی‌های موقت، همچنین اعمالی که در حال خواب‌گردی یا در جریان یک کابوس انجام می‌شوند نیز خود مختار هستند. در موردی، واقعیت این بود که متهم توسط شخصی مورد تجاوز به عنف قرار گرفت، پس از آن دچار یک اختلال روانی عمیق و هیجانانگیز روانی شد. در این اثنا به تصور اینکه در حال خواب و رویا است یکسری اعمالی را انجام داد و دادگاه عالی دفاع بی‌اختیاری را در مورد او صادق داشت. در حقوق انگلستان احراز مسلوب‌الارادگی ناشی از دو وضعیت است.

1- PETER KING, (2006), Crime and Law in England, Remaking Justice from the Margins, Cambridge University Press The Edinburgh Building, Cambridge cb2 2ru, UK, First published, P 12.

الف: مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون

در حقوق جزای انگلستان، کلمه «جنون» معادل «Insanity» و کلمه «مجنون» معادل «Insane» است.^۱ کلمه «Sane» از صفت لاتین «Sanus» به معنی «سالم» نشأت گرفته است.^۲ از این دیدگاه، جنون می‌تواند به عنوان نقص در فهم و درک در نظر گرفته شود، نه‌الزاماً به عنوان نقص در مغز به عنوان یک عضو و ارگان از بدن، گرچه می‌تواند بر روی سلامت روان تأثیر گذار باشد، اما اغلب اشاره به عملکرد معیوب و ناقص فرآیند روانی مثل استدلال و ادراک دارد. عبارت لاتین برای کلمه «Sane» (عاقل)، «Compos mentis» به معنی عاقل است و عبارت «non compos mentis» به معنی عدم سلامت عقل است.^۳ از منظر حقوقی «Mens rea» به معنی «سوءنیت یا عنصر روانی» زمانی است که «Actus reus» به معنی عنصر مادی ارتکاب یابد.^۴

اگر متهم مدافع مسلوب‌الارادگی را مطرح نماید، اولین سوالی که می‌بایست پیرامون آن تصمیم‌گیری شود این است که آیا مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون است یا ناشی از عوامل دیگر بوده است. اگر مسلوب‌الارادگی معلول یک بیماری روانی (ذهنی) از قبیل اختلال جسمانی‌رونیو دهباشد، زیرعنوان مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون قرار می‌گیرد و رأی دادگاه در چنین حالتی عدم تقصیر (رفع مسئولیت) به لحاظ جنون است. اما اگر بیماری روانی ناشی از یک عامل خارجی باشد، یعنی اگر مسلوب‌الارادگی در اثر یک عامل بیرونی ایجاد شده باشد، به عنوان مثال در اثر خوردن دارو و دریافت خدمات پزشکی غلط باشد، این مصداق مسلوب‌الارادگی سایر عوامل است، ممکن است در مواردی مسلوب‌الارادگی ناشی از اجتماع آثار برخی عوامل درونی و برخی از عوامل بیرونی باشد، در چنین حالتی ممکن است تصمیم‌گیری پیرامون نوعی از مسلوب‌الارادگی چندان آسان نباشد. در دعوی راک^۵ در سال ۲۰۰۱، متهم مدعی شد که حالت

^۱- Blackwell, Amy Hackney, (2008), The Essential Law Dictionary, First Edition, Illinois, Sphinx Publishing. P 74.

^۲- Ewing, Charles Patrick, (2008), Insanity : murder, madness, and the law , Oxford University Press, P3-4

^۳- Blackwell, Amy Hackney, (2008), The Essential Law Dictionary, First Edition, Illinois, Sphinx Publishing. P 74.

^۴- Weinstein, Raymond M, (2018) "madness" in George Ritzer(ed), the Blackwell Encyclopedia of sociology, Blackwell publishing, P2693.

^۵- Roach

بی‌اختیاری او ناشی از تلفیق آثار استعمال برخی داروهای مجاز و همچنین الکل بر بیماری پنهان او بوده است، قاضی دادگاه بدوی این ادعا را در قالب مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون تحت رسیدگی قرارداد و از تفویض امر به هیئت منصفه پیرامون اینکه آیا متهم برخوردار از شرایط مسلوب‌الارادگی ناشی از عوامل دیگر است خودداری کرد. دادگاه استیناف رای بدوی را نقض کرد و چنین استدلال نمود که دیگر عوامل موجب طغیان بیماری خاموش شده می‌باشند. در صورتیکه اگر عوامل خارجی مذکور وجود نمی‌داشتند و آن بیماری خاموش آشکار نمی‌شد، پس دفاع مسلوب‌الارادگی ناشی از سایر عوامل قابل طرح در هیئت منصفه خواهد بود.

به طور طبیعی یک حکم جنون که مبنی بر احراز جنون است و احتمالا و یا قطعا اگر اتهام قتل عمدی باشد، منتهی به بازداشت نامحدود متهم در یک بیمارستان روانی ایمن خواهد شد، که چنین حکمی برای متهم فجیع و مصیبت بار است. بر همین اساس متهم در اغلب پرونده‌ها تلاش مضاعفی می‌کند برای دستیابی به رای یا تحصیل حکمی که مسلوب‌الارادگی ناشی از سایر عوامل اعلام کند. در اغلب پرونده‌ها متهم تلاش می‌کند که مسلوب‌الارادگی وی ناشی از جنون تشخیص داده نشود. اگر این تلاش موفقیت آمیز باشد، منجر به صدور حکم برائت متهم بدون هر گونه تبعات خواهد گشت. با این حال در موردی که وضعیت مسلوب‌الارادگی متهم ناشی از بیماری، قاضی حق دارد که ادعای متهم مبنی بر مسلوب‌الارادگی متهم را از مصادیق جنون قلمداد کند.

ب: مسلوب‌الارادگی ناشی از سایر عوامل (غیر جنون)

در اغلب موارد، علت مسلوب‌الارادگی ناشی از عوامل دیگر، استفاده از داروها است، که غالبا اما نه همیشه، از لحاظ پزشکی مجاز هستند. تزریق انسولین می‌تواند منتهی به مسلوب‌الارادگی شود، همچنین داروهای دیگر از قبیل اسید باربیتوریک و داروهای آرام بخش می‌توانند و یا ممکن است منتهی به حالت خود مختاری اعضا و جوارح انسان شوند، همچنین داروهایی که منتهی به تیک یا پرشها و تکانهای عضلانی می‌شوند مانند داروهای توهم زا چنین اثری دارند. سؤال مهم این است که، آیا مسلوب‌الارادگی ناشی از عوامل دیگر، به مثابه دفاع است، که منتهی به برائت مطلق در هر پرونده بشود. پاسخ در مورد جرایمی که وقوعشان منوط به داشتن قصد خاص می‌باشد مثبت است، به بیان دیگر در جرایم دارای سوءنیت خاص، مسلوب‌الارادگی ناشی از عوامل دیگر موجب برائت مطلق می‌شود. برای تمامی سایر جرایم دیگر در صورتیکه مسلوب‌الارادگی خود ساخته باشد، دیگر این دفاع در دسترس نخواهد

۳۷۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

بود، مفهوم مخالف این می‌شود که در سایر جرایم هم اگر مسلوب‌الارادگی ناشی از تقصیر خود شخص متهم نباشد، ممکن است موجب برائت مطلق شود.

پ: ارتباط بین جنون و تحت تأثیر دارو و مواد مخدر بودن^۲

به طور کلی، ناکارآمدی خارجی ذهن به معنای "بیماری ذهن" در قوانین مک‌ناتنجایی ندارد، جایی که از طریق عوامل خارجی مانند خشونت، مواد مخدر، بیهوشی، الکل و تأثیرات هیپنوتیزم‌ماین ناکارآمدی ذهن به دست می‌آید. نمی‌توان آن را جنون نامید. البته موضوع دیوانگی ناشی از مسمومیت، به الکل محدود نمی‌شود و موارد متعددی شامل انواع دیگر مواد مخدر و مواد سمی دیگر را شامل می‌شود. به طور کلی شخص که تحت تأثیر یک ماده خارجی است، نمی‌تواند، به دفاع جنون متوسل شود. در نتیجه تحت تأثیر دارو بودن، به خودی خود منجر به دفاع جنون نمی‌شود. چنانچه متهم از الکل یا سایر داروها در شرایطی استفاده کند که منجر به بیماری ذهنی گردد، به نحوی توانایی استدلال و تعقل را از وی بگیرد و در زمان ارتکاب جرم باشد، ممکن است به دفاع جنون متوسل شود. حتی در مواردی که جنون موقتی و لحظه‌ای و فقط در زمان ارتکاب جرم باشد. آنچه که به متهم اجازه دفاع مبتنی بر جنون را می‌دهد، خود تحت تأثیر دارو و مواد مخدر بودن و الکل نیست، بلکه وضعیت ذهنی است که برای وی ایجاد شده است.

ت: نقش کامن لا در احراز حالت مسلوب‌الارادگی

نقش اساسی کامن لا در احراز حالت مسلوب‌الارادگی در حوزه جنون است. حقوق جزای انگلستان از نظر وضع قوانین در مورد افراد مبتلا به اختلالات روانی و جنون از دستگاه‌های قضایی پیشرو بوده و قواعد ارائه شده در آن، حقوق جزای کشورهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قوانین «مک ناتن» و «تکانه‌های غیر قابل مقاومت» نمونه بارز این امر می‌باشد. در اواسط قرن نوزدهم میلادی، رویه قضایی انگلستان، عدم مسئولیت کیفری بیماران روانی را پذیرفت. این رویه، به عنوان یک اصل از اواخر این قرن در دادگاه‌ها مورد اجرا قرار گرفت.^۳

1 -Cameronm Jace,(2013), Insanity, CreateSpace Independent Publishing Platform,First edition,P 113.

2- intoxicating

3- Thomas Szasz,(2015), Insanity, The Idea and Its Consequences,syracuse university press, second edition,P19

احراز مفهوم مسلوب‌الاردگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان.....۳۷۳

جنون در نظام کامن‌لا، زیر عنوان معذوریت‌ها^۱ یا دفاعیات عام^۲ مورد بحث قرار گرفته است. جنون در مفهوم معذوریت عبارت از نوعی شرط معذور کننده یا خصیصه ای در متهم است که وی را از مسئولیت کامل و سرزنش در قبال عمل خطایی که از وی سر زده، معاف می‌سازد. همچنین جنون به عنوان یکی از دفاعیات، زمانی مورد استفاده واقع می‌شود که متهم به ارتکاب عنصر مادی جرم اقرار می‌کند ولی وجود عنصر روانی لازم را به طور کلی انکار می‌نماید. نتیجه اثبات دفاع جنون در انگلستان، نگهداری طولانی مرتکب در یک بیمارستان روانی است و به همین جهت، متهمان کمتر به این دفاع استناد می‌کنند و توسل به دفاع مسئولیت مخففه در اتهام قتل عمد را بر آن ترجیح می‌دهند زیرا در مورد اخیر، با کاهش مسئولیت کیفری از قتل عمد به قتل غیر عمدی، وی تنها به چند سال حبس محکوم می‌گردد که نسبت به نگهداری طولانی و نامشخص در یک بیمارستان روانی (در صورت جنون) مطلوب تر است.^۳

شرایط لازم برای تأثیر جنون در مسئولیت کیفری در سال ۱۸۴۳ به وسیله قاعده مک ناتن وضع گردید.

قواعد مک ناتن (مصوب ۱۸۴۳ میلادی) مسئولیت کیفری متهمانی را تعیین می‌کند که مدعی جنون هستند، این قواعد در دادگاه بریتانیا در پرونده «دنیل مک ناتن»^۴ در سال ۱۸۴۳ مقرر گردید. مک ناتن یک منبت کار اسکاتلندی بود که منشی نخست وزیر، ادوارد دراموند^۵ را با شلیک گلوله به قتل رساند، در حالی که هدف شلیک گلوله، شخص نخست وزیر، رابرت پیل^۶ بود. ظاهراً مک ناتن معتقد بود که نخست وزیر مسبب مشکلات مالی و شخصی بیشماری بود که برای وی رخ داده است. در محاکمه وی، نه نفر شاهد، به این واقعت شهادت دادند که وی

۱-Excuses

۲-General Defences

۳ - بررسی تطبیقی دفاع جنون در انگلستان، کانادا، ایالات متحده و فرانسه، مجله کانون، ماهنامه کانون سردفتران و دفترباران، سال چهارم و پنجم، دوره دوم، شماره ۲۸، آذرماه ۱۳۸۰، صفحه ۸۱

۴- Daniel Mc naughten

۵- Edward Dramond

۶- Robert Peel

۳۷۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

مجنون بود و هیأت منصفه، او را تبرئه کرد، چون تشخیص داد که او به دلیل جنون، گناهکار نیست. مجلس اعیان، از قضات دادگاه عالی عرفی خواست که در مورد جنون به عنوان دفاع کیفری، به پنج سؤال پاسخ دهند.^۱

از میان پنج پرسش مطرح شده، مهم‌ترین پاسخی را که به بحث ما ارتباط نزدیکی دارد می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: «به منظور اثبات دفاع جنون، باید به طور واضح و آشکاری ثابت شود که در زمان ارتکاب عمل، متهم از چنان نقص عقلانی، ناشی از بیماری روانی، رنج می‌برده که ماهیت و کیفیت آنچه را انجام می‌داده است نمی‌دانسته یا اگر می‌دانسته، از نادرست بودن آن، آگاه نبوده است.»

قاعده ای که از بحث و بررسی آنان به دست آمده، اساس و مبنای مسئولیت قانونی در پرونده‌های جنون در انگلستان شد. بر اساس آن، متهم فقط در صورتی مسئول اعمالش نیست که در زمان ارتکاب جرم بر اثر بیماری اش نمی‌دانسته که عملش اشتباه است یا از ماهیت و کیفیت اعمالش آگاه نبوده است. به موجب قواعد مک ناتن، عدم کنترل به دلیل بیماری روانی، دفاع محسوب نمی‌شود. قاعده مک ناتن، تقریباً بدون هیچ تغییری توسط دادگاه‌های آمریکا و قانونگذاران به مدت بیش از ۱۰۰ سال، تا اواسط قرن بیستم اجرا در آمد. در حال حاضر ۲۶ کشور، هنوز قواعد مک ناتن را در خصوص جنون به طور کامل و یا نسبی، اعمال و اجرا می‌کنند.

یکی از انتقادات اساسی به قاعده مک ناتن این است که در تمرکز بر روی این مقوله که آیا شخص می‌دانسته عملش اشتباه است یا خیر، به موضوع کنترل تکانه‌های (تحریک) غیرقابل مقاومت^۲، توجهی نمی‌شود. روانپزشکان معتقدند ممکن است شخص بفهمد که عملش اشتباه است ولی قادر به کنترل خود نباشد. به همین خاطر، بعضی از دولت‌ها، قاعده مک ناتن را با مقررات تکانه‌های غیرقابل مقاومت اصلاح کردند؛ به این ترتیب که متهمی را که قادر به تشخیص درست و اشتباه بودن عملش هست ولی با این حال قادر به کنترل خود از ارتکاب عمل نیست تبرئه می‌کنند.^۱ موضوع تکانه‌های غیرقابل مقاومت از سوی کمیته ای از قضات انگلستان پیشنهاد شد که مضمون آن چنین بود: «هر گاه عمل مجرمانه تحت تأثیر

۱- Carl Elliott,(1996), the rules of insanity: moral responsibility and the mentally ill offender, SUNY Press, P10.

2- Non resistance Impulse control

تکانه‌هایی صورت گرفته باشد و بیمار به علت ابتلا به بیماری قادر به کنترل آن نباشد، شخص متهم به ارتکاب جنایت مسئول عمل خود شناخته نمی‌شود.»^۱

بدین ترتیب با اصلاح قواعد مک ناتن توسط تکانه‌های غیر قابل مقاومت، معیار جنون، صرفاً فقدان قوه تمیز نیست، بلکه مواردی را که شخص مرتکب جرم قوه تمیز و تشخیص دارد، ولی به دلیل بیماری قادر به کنترل رفتار خود نمی‌باشد را نیز شامل می‌شود. دایره شمول قواعد مک ناتن با قیودی که برای آن قائل شده اند بسیار محدود است و در عمل بسیاری از اشخاص را که به علت بیماری‌ها و اختلالات روانی مرتکب جرم می‌شوند، شامل نمی‌شود. اما چنانچه مرتکب عمل مجرمانه، تحت تأثیر وضعیت ذهنی و روانی خود عملی را انجام دهد که مشمول قاعده مک ناتن نباشد، ممکن است از مسئولیت مخففه برخوردار باشد.^۱

قاعده مک ناتن مشتمل بر یک ضابطه ی سه گانه است. اول اینکه متهم باید به یک بیماری دماغی دچار باشد. هرچند ممکن است تصور شود که این موضوع باید با استفاده از علم روانشناسی تعیین شود، لیکن قضات، از ترس اینکه چه بسا بسیاری از متهمان از طریق دفاع بی‌اختیاری از محدوده ی سیستم عدالت کیفری بگریزند، بر این نکته تأکید داشته اند که بیماری دماغی یک مفهوم حقوقی است و تفسیر آن عمیقاً تحت تأثیر ملاحظات مصلحت‌گرایانه قرار گرفته است. در نتیجه، این وضعیت به این معنی تفسیر شده است که باید یک مشکل داخلی متهم موجب این رفتار شده باشد. در مشکلات داخلی، مثل اسکیزوفرنی، خطر تکرار وجود دارد. متهم به طور بالقوه خطرناک است و در نتیجه این نکته از اهمیت برخوردار می‌باشد که دادگاه حق اعمال کنترل بر متهم، مثلاً بستری کردن او را داشته باشد. رأی جنون این حق کنترل را ایجاد می‌کند. این شرط که بیماری دماغی مشتمل بر وجود یک علت داخلی برای آن رفتار است، موجب بروز این نتیجه تأسف بار شده است که بسیاری از اشخاص، مثل خوابگردها، مبتلایان به صرع و بعضی از مبتلایان به مرض قند به غلط، دچار یک بیماری دماغی دانسته شده و تحت شمول دفاع جنون قرار داده شده اند. در حالی که طبقه بندی این افراد تحت عنوان مجنون تنها می‌تواند یک برچسب زنی غلط محسوب شود.

1-Philip John Rust, K. Venkoba Rao,(1958). Law & practice of hurt & homicide, Law Book Co,P714.

۳۷۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

شرط دوم، به موجب قواعد مک ناتن، آن است که بیماری دماغی باید موجب نقص تعقل شده باشد، یعنی عاقله باید تأثیر یافته باشد. این که متهم صرفاً به دلیل حواس پرتی یا گیجی نتوانسته است از قوه تعقل و استدلال خود بهره مند شود کفایت نمی‌کند.^۱ بالاخره اینکه باید اثبات شود که متهم در نتیجه بیماری دماغی و نقص عقلی از ماهیت و کیفیت اعمال خود نا آگاه بوده و یا نمی‌دانسته است که آن اعمال غلط هستند. این شرط آخر، ضابطه مک ناتن را بسیار مضیق می‌سازد. در واقع این ضابطه تنها متهمینی را در بر می‌گیرد که در حالات بسیار شدید بیماری دماغی نسبت به آنچه که انجام می‌دهند و یا اهمیت آن آگاه نیستند. مثال‌های قدیمی در مورد عدم آگاهی نسبت به ماهیت یا کیفیت عمل عبارتند از: پرتاب کردن کودکی در آتش به تصور اینکه یک کنده هیزم است که همان نداشتن قوه تمیز است، بریدن سر کسی به، عکس‌العمل وی بسیار خنده دار خواهد بود و امثال این‌ها. شرط غلط بودن در قواعد مک ناتن را به این معنی تفسیر کرده اند که متهم باید از این که رفتار او قانوناً غلط است، ناآگاه باشد. برای مثال، وی باید آنچنان از لحاظ دماغی بیمار باشد که این نکته را درک نکند که قتل عمد یا ورود به عنوان متجاوز به‌ساختمان متعلق به غیر به قصد ارتکاب جرم یک رفتار مجرمانه محسوب می‌شود. در دعوی «دولت علیه ویندل» در سال ۱۹۵۲، متهم که تقریباً به طور قطع مجنون بود، همسر خود را کشته و بعداً اظهار داشته بود: «فکر می‌کنم برای این کار من را به دار بیاویزند.» قاضی محکمه بدوی مقرر نمود که در اینجا هیچ نکته‌ای دال بر جنون وجود ندارد که لازم باشد برای بررسی به عهده هیات منصفه گذاشته شود. دادگاه استیناف این نظر را درست ندانست. هر چند احتمالاً دلایلی دال بر بیماری دماغی وی وجود داشته است، لیکن موضوع مسئولیت متهم همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. اگر او می‌دانسته است که قانون را نقض می‌کند، که مسلماً همین طور بوده است، وی نمی‌تواند به دفاع جنوناستناد کند.^۲

با اعمال دقیق این ضابطه، متهمی که آن چنان از لحاظ دماغی بیمار است که در محدوده‌ی هر یک از دو شرط مذکور در قواعد مک ناتن قرار می‌گیرد، غالباً صلاحیت مورد محاکمه قرار

1- Thomas Stephen Szasz, (1991), *Ideology and Insanity: Essays on the Psychiatric Dehumanization of Man*, Syracuse University Press, P204.

۲- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۵)، *مروری بر حقوق جزای انگلستان تهران*، انتشارات حقوقدان، چاپ اول،

احراز مفهوم مسلوب‌الاردگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان.....۳۷۷

گرفتن را ندارد. لیکن تحقیقات نشان می‌دهد که تمایل روانپزشکان آن بوده است که شرط غلط بودن را به طور موسع تفسیر کرده و آن را شامل مواردی هم بدانند که متهم فکر می‌کرده است که اعمال وی اخلاقاً قابل توجیه بوده است.^۱

قاعده مک ناتن برای بیش از یک قرن است که به عنوان ضابطه تشخیص جنون در حقوق انگلستان به کار می‌رود.^۲

قضات در این پرونده ۵ سؤال مطرح نمودند:

سؤال اول این بود که آیا متهم تحت تأثیر توهمات جنون آمیز قرار داشته است یا خیر؟^۳

سؤال دوم این بود که، زمانی که شخص در معرض توهمات جنون آمیز بوده و مرتکب جرمی شده است، و جنون به عنوان دفاع مطرح می‌شود، چه سئوالات صحیحی باید خطاب به هیأت منصفه پرسیده شود؟^۴

سؤال سوم این بود که، در هنگام طرح سؤال خطاب به هیأت منصفه، برای وضعیت ذهنی

شخص زندانی در زمان ارتکاب جرم باید از چه اصطلاحی استفاده کرد؟^۵

در پاسخ به این سئوالات، این گونه بیان شد که، قضات بایستی تمامی اشخاص را عاقل بدانند و اشخاص عاقل (غیرمجنون) فرض می‌شوند. و به همین دلیل همه اشخاص دارای مسئولیت کیفری هستند، تا زمانی که بر خلاف آن ثابت نشده است. در نتیجه برای دفاع جنون، بایستی ثابت گردد که در زمان ارتکاب جرم، متهم به وضوح از بیماری روانی رنج می‌برده است که، او ماهیت و کیفیت عمل ارتكابی خود را نمی‌دانسته است، یا اینکه اگر ماهیت و کیفیت آن را

۱-Mackay and Kearns,(2005), understanding Criminal Law , Cambridge University Press, Second Publications,P25

۲- Approved by Lord Diplock in Sullivan [1984] AC 156.

۳- Is defendant being either “afflicted with” or “under” an insane delusion?

۴ -What are the proper questions to be submitted to the jury when a person alleged to be afflicted with insane delusion respecting one or more particular subjects or persons, is charged with the commission of a crime (murder, for example), and insanity is set up as a defence?

۵- In what terms ought the question to be left to the jury as to the prisoner’s state of mind at the time when the act was committed?”

۶- sane

۳۷۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

می‌دانسته است، او نمی‌دانسته است که آنچه را که انجام می‌داده است، اشتباه و نادرست بوده است.^۱

هرگونه تحلیلی در این خصوص بایستی بر مبنای تحولات تاریخی حقوق جزای انگلستان باشد، وگرنه راه را به اشتباه خواهیم رفت. در خصوص به چند مورد اشاره می‌کنیم. تا سال ۱۹۹۱ شخصی که بر اساس دفاع جنون تبرئه می‌گردید، حتما و لزوما در بیمارستان روانی نگهداری می‌گردید، تا سال ۱۹۵۷ اصلا چیزی به نام دفاع ناقص مسئولیت تقلیل یافته در قتل عمد وجود نداشت و تا سال ۱۹۶۵ که هنوز مجازات اعدام در انگلستان لغو نگردیده بود^۲، کسی که به قتل عمدی دیگری محکوم می‌گردید، مجازاتش اعدام بود و نه حبس ابد. در چنین وضعیت‌هایی، متهمان و وکلای آنها به شدت به دنبال توسل به دفاع بی‌ارادگی بودند، در حالیکه دادگاه‌ها با توجه به حالات خطرناک مجانین برای جامعه، بر روی دفاع جنون تأکید داشته‌اند. بنابراین فرض اصلی بر عدم جنون است.

این دفاع فقط در زمانی قابلیت استناد دارد که جنون در زمان ارتکاب جرم باشد و به زمان‌های دیگر، از قبیل، قبل و بعد از ارتکاب جرم ارتباطی ندارد.^۳ هرگونه نقص و ایراد ذهنی، جنون محسوب نمی‌گردد. بیماری و نقص ذهنی باید به حدی باشد که قدرت تعقل و تفکر را خدشه دار کند.^۴ کاهش قدرت تعقل و تفکر، جنون محسوب نمی‌گردد. از دست دادن لحظه‌ای تمرکز، حتی اگر ناشی از بیماری روانی باشد، جنون تلقی نمی‌گردد و مشمول قاعده مک‌ناتن نمی‌گردد. در چنین مواردی متهم بایستی بر بیماری روانی خود استناد کند تا عنصر روانی را زایل کند. برای مثال در پرونده کلارک^۵ در اتهام سرقت، وی اینگونه استدلال کرد که به دلیل افسردگی^۶ عنصر معنوی لازم را برای جرم سرقت نداشته است.^۷ بیماری ذهنی لزوما محدود به به بیماری مغزی نیست.^۸ و هرگونه بیماری را شامل می‌شود که عملکرد صحیح مغز را مختل

1-Ben W. Thompson,(2007), M'Naghten Rules, Trafford Publishing,P12.

۲- Abolition of Death Penalty Act 1965

3-Ben W. Thompson,(2007), M'Naghten Rules, Trafford Publishing,P19.

۴- reflect impaired powers of reasoning

۵- Clarke

۶ - depression

۷- Clarke [1972] 1 All ER 219.

۸-Disease of the mind” is not limited to diseases of the brain

نماید. کلمه «ذهن» از نظر لرد دیپلاک^۱ «دانش ذهنی استدلال، درک و حافظه»^۲ است. و بر همین مبنا در پرونده سولیوان^۳ دفاع وی را نپذیرفتند. این که منشأ این اختلال، بیماری جسمی باشد و یا بیماری روحی، هیچ تفاوتی نمی‌کند. مهم این است که این اختلال وجود داشته باشد. ممکن است بیماری جسمی و رشد ناقص مغز، علت آن باشد و یا یکی از انواع بیماریهای روانی، علت آن محسوب شود. در پرونده براتی^۴ توسط قاضی دلوین^۵ اینگونه استدلال شد و این استدلال بعداً در پرونده سولیوان نیز مورد استناد قرار گرفت. پرونده کمپ^۶: متهم این پرونده یک شخص مسن و شخصیتی موجه بود، که به طور غیرموجه و غیر منطقی به همسرش حمله نموده بود. او به ارتکاب ایراد آسیب بدنی شدید عمدی متهم گردید. مدارک پزشکی نشان می‌داد که وی از بیماری آترواسکلروز^۷ رنج می‌برد که بیماری سخت و سفت شدن اعصاب است و ناشی از جمع شدن خون در مغز است. پزشکان قانونی این گونه نظر دادند که این بیماری در لحظاتی که خود را نشان می‌دهد باعث می‌شود تا به طور موقتی و برای لحظاتی وی ادراک صحیحی نداشته باشد. او هیچ تصور صحیحی از برداشتن چکش و حمله به همسرش با آن نداشته است. دادگاه در این خصوص اینگونه حکم داد که او ماهیت و کیفیت عمل خود را نمی‌دانسته است. قاضی دلوین در این پرونده این گونه استدلال نمود که، قانون با این موضوع سر و کاری ندارد که مغز در چه وضعیتی قرار دارد، آنچه مهم است این است که، وضعیت ذهن به چه نحوی است. در صورت بروز وضعیت عدم درک و یا فقدان حافظه، دیگر مهم نیست که مغز از چه وضعیتی برخوردار است، و می‌توان آن را سالم تلقی کرد یا خیر؟ مهم نیست که وضعیت مغز موقتی است یا دائمی و یا قابل درمان

۱-Lord Diplock

۲- the mental faculties of reason, memory and understanding

۳-Sullivan

۴- Sullivan [1984] AC 156, 172.

۵- Bratty v Attorney-General for Northern Ireland

۶- Mr Justice Devlin

۷-Kemp

۸-arteriosclerosis

می‌باشد و یا خیر.^۱ قاضی دلوین بر این موضوع تأکید کرد که «بیماری ذهنی»^۲ از نظر قضایی باید به نحوی تفسیر گردد که بتواند پاسخ سؤال سوم را در قاعده مکاناتن بدهد. مهم این است که منجر به نقص در استدلال و ادراک^۳ شود، چه منشأ آن بیماری جسمی باشد و چه روحی و روانی باشد.^۴ چنین استدلالی منجر به توسعه و تعمیم دفاع مبتنی بر جنون گردید. در نتیجه این استدلال، بیماری‌های ذهنی که منشأ جسمی دارند و منجر به ایجاد نقص در ادراک و استدلال می‌گردند، نیز می‌توانند مورد استناد قرار گیرند. این موضوع در پرونده سولیوان، مطرح گردید. در جایکه او در زمان سکته قلبی^۵ مرتکب حمله غیرارادی شده بود. یا در مورد جدیدی که راننده‌ای دچار سکته قلبی شده بود و منجر به تصادف بسیار شدیدی شده بود.^۶ پرونده براتی^۷ وی متهم به قتل عمدی دیگری به از طریق خفه کردن^۸ مجنی علیه شده بود. او مدعی شده بود که نمی‌دانسته است که چه می‌کرده است و دچار بیماری صرع^۹ است. و کنترلی بر روی خودش نداشته است. لیکن دفاع وی مبتنی بر بی‌ارادگی، به علت ضعیف بودن مورد پذیرش قرار نگرفت. لرد دنینگ^{۱۰} این گونه استدلال کرد که، این نوع بیماری شخص است که مشخص می‌کند، وی بایستی در بیمارستانی نگهداری شود و یا اینکه از تبرئه بی قید و شرط برخوردار شود. و نظرش بر این بود که این گروه را مشمول عنوان جنون تلقی کرد.

۱-curable or incurable, transitory or permanent

۲-disease of the mind

۳-defect of reason

4- Ellsworth Lapham Fersch,(2010), Thinking About Insanity, Religion, and Terrorism: Answers to Frequently Asked Questions with Case, iUniverse,P 153.

۵- throes of an epileptic

۶ -Southern Daily Echo, “Man Sentenced Despite Not Guilty Verdict” (8 Jan 2012) http://www.dailyecho.co.uk/news/9459324.Driver_spared_after_mayhem_on_M27/ (last visited 20 Mar 2019).

۷- Bratty

۸ - strangling

۹- psychomotor epilepsy

۱۰- Lord Denning

لیکن از آنجایی که افراد شامل شرایطی مانند صرع، تومورهای مغزی، آترواسکلروز و دیابت هستند که از نظر عقل سلیم نباید به عنوان «دیوانه» نامگذاری شوند. چنین تعریفی از جنون، بسیار بحران‌زا است و نمی‌توان این گونه اشخاص را به عنوان مجنون تلقی نمود. در این خصوص بعداً معیارهای دیگری نیز ارائه شد، لرد دیپلاک در پرونده سولیوان، اینگونه بیان کرد، که بایستی جامعه در برابر احتمال ارتكابی رفتار مورد نظر مورد حمایت قرار گیرد. در نتیجه اظهار نظر صورت گرفته بیشتر مبتنی بر امنیت جامعه است تا اینکه بر مبنای اصول حقوقی اظهار شده باشد.^۱

دو جنبه مختلف قاعده

این قاعده دارای دو جنبه است. از یک طرف جنبه شناختی^۲ قاعده است. جنبه شناختی قاعده به واسطه کلماتی از قبیل «به عنوان شناخت ماهیت و کیفیت عمل انجام شده» بیان شده است. جنبه شناختی قاعده بیان می‌کند که: «ما نمی‌توانیم، ماهیت و کیفیت عملی که او انجام داده است را بشناسیم.»^۳ جنبه اشتباهی^۴ قاعده که با عبارت: «اگر او آن را می‌دانست، نشان می‌دهد که او نمی‌دانسته که چه چیزی اشتباهی انجام می‌دهد.» نشان داده می‌شود.^۵ در جنبه اشتباهی قاعده، وی نمی‌دانسته است که او دارد کاری را انجام می‌دهد که غیر قانونی و ممنوع است.^۶ برای اعمال این جنبه از قاعده دادگاه‌ها با یک معضل مهم روبه‌رو هستند که منظور از

۱-P Sutherland and C Gearty,(1992)m “Insanity and the European Court of Human Rights,Criminal Law Review 418, P421.

۲- cognitive aspect

۳-“AS NOT TO KNOW THE NATURE AND QUALITY OF THE ACT HE WAS DOING”

۴- wrongfulness aspect

5 - Law commission,(2012),Insanity and Automatism, Publication of commission law, Supplementary Material to the Scoping Paper, program for reforming law Crown copyright,P10.

۶-“HE DID NOT KNOW HE WAS DOING WHAT WAS WRONG”

۳۸۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

عمل «خلاف»^۱ چیست؟ آیا به معنای مغیر قانون است، یا خطای اخلاقی را شامل می‌شود. در حال حاضر به نظر می‌رسد که هر دو مفهوم را شامل می‌شود.^۲ در پرونده کوداره^۳ اینگونه استدلال شد که، ماهیت عمل به جنبه روانی موضوع بستگی دارد و دادگاه استیناف، این استدلال را نپذیرفت و بیان کرد که ماهیت و کیفیت عمل به جنبه فیزیکی عمل بستگی دارد. در جاییکه متهم هوشیار بوده است، لیکن نمی‌دانسته است که چه کاری انجام می‌دهد، مسأله به عنصر روانی مربوط می‌شود. دفاعی که می‌تواند صورت پذیرد، بر مبنای فقدان عنصر روانی است.^۴

دو جنبه متفاوت قاعده را نمی‌توان به طور مطلق از یکدیگر جدا تلقی نمود، بلکه این دو جنبه با یکدیگر در ارتباط هستند. زمانی که شخص ماهیت و کیفیت عمل ارتكابی خود را درک نکند، در موارد متعددی منجر به عدم شناخت این می‌شود که نداند، آیا عمل ارتكابی خلاق و مغایر قانون و اخلاق تلقی می‌گردد یا خیر؟

لرد گودارد^۵ در پرونده ویندل^۶ اینگونه استدلال کرد که در اجرای جنبه دوم قاعده مک‌ناتن، دادگاه فقط باید توجه داشته باشد که چه چیزی قانونی و چه چیزی غیر قانونی است و به موارد دیگر توجه نداشته باشد.^۷

در گذشته، اکثر متهمانی که به محاکمه کشیده می‌شدند، از استناد به دفاع جنون ابا داشتند. در سال‌های قبل از قانون سال ۱۹۹۱، تنها حدود چهار رأی جنون در هر سال داده شده بود. مجازات حبس، به نگهداری نامشخص در یک بیمارستان امن ترجیح داده می‌شد. اگر اتهام وارد شده قتل عمدی بود، متهم می‌توانست، به استناد مسئولیت تقلیل یافته، به قتل غیر عمدی محکوم شود. در چنین حالتی، و نیز در کلیه اتهامات دیگر، متهم حتی می‌توانست

۱- Wrong

۲- Codère (1917) 12 Cr App Rep 21 and Windle [1952] 2 QB 826.

۳- Codère

4 - John Parry,(2009), Criminal Mental Health and Disability Law, Evidence and Testimony, American Bar Association,P 502.

۵- Lord Goddard

۶- Windle

۷- Windle [1952] 2 QB 826, 833. Lord Goddard CJ emphasised the concept of “responsibility according to law”, but, with respect, it is not entirely clear what he meant by this in Windle nor in Rivett (1950) 34 Cr App Rep 87.

با دریافت دستور اعزام به بیمارستان، به موجب اختیارات دادگاه مذکور در قانون سلامت روانی مصوب سال ۱۹۸۳، از مجازات حبس بگریزد. از زمان تصویب قانون سال ۱۹۹۱، استناد به دفاع جنون قدری افزایش داشته و رأی جنون تقریباً به ۹ مورد در هر سال بالغ شده است. در ۵۲ درصد این موارد، دستور اقدامات تأمینی، به ویژه دستور مراقبت یا معالجه، نسبت به متهم صادر شده است. وقتی این نکته جا بیفتد که دادگاه‌ها آماده استفاده از اختیارات افزایش یافته خود می‌باشند، متهمان بیشتری تلاش خواهند کرد که به دفاع جنون استناد نمایند. آیا رأی جنون باید همچنان حفظ شود؟ به نظر برخی از شارحان (مفسران) این رأی چیزی بیش از یک شیء نادر تزئینی و وسیله‌ای برای تحسین توانایی ما در تظاهر به اتخاذ یک موضع اخلاقی نیست، در حالی که در عمل رویه‌ی کاملاً متفاوتی را که در پی می‌گیریم، نمی‌باشد، و بنابر این، باید ملغی شود. خلاصه آنکه، حدود یک سوم زندانیان از نوعی اختلال دماغی رنج می‌برند. برای این افراد، دفاع جنون در دسترس نبوده است، اگر بیماری دماغی یک وضعیت معذور کننده می‌باشد، حضور این افراد در زندان‌ها نشان می‌دهد که قانون به شکل نامساوی و ناهماهنگی اعمال می‌گردد. اما از این مهمتر این که آیا بیماری دماغی اساساً باید یک وضعیت معذور کننده باشد یا نباشد. افراد بسیاری ممکن است از لحاظ روانی بیمار باشند و مرتکب جرم شوند، اما دلایل اندکی وجود دارد که بتواند نشان دهد که یکی از این دو سبب دیگری است.^۱

به موجب پیشنهادهایی که بر لغو دفاع جنون اصرار می‌ورزد، هرگاه شخصی مرتکب جرم شده باشد به شیوه‌ی معمول تحت پیگرد کیفری قرار خواهد گرفت. اگر وی از عنصر روانی برخوردار بوده است، محکوم خواهد شد، و سپس، هر نوع بیماری دماغی او در مرحله‌ی تعیین مجازات در نظر گرفته خواهد شد. البته در چنین حالتی، مجازات او نباید از مجازات آدم عاقلی که به ارتکاب همان جرم محکوم می‌شود بیشتر باشد. از سوی دیگر، اگر عنصر روانی، به دلیل بیماری دماغی و یا به هر دلیل دیگری، اثبات نشود، متهم باشد، تبرئه می‌گردد ولی اگر بیماری وی خطرناک تشخیص داده شود، می‌توان، با توجه به قوانین راجع به سلامت روانی، اقدامات غیر کیفری (جهت اعزام وی به بیمارستان) انجام داد.^۲

^۱ - میر محمدصادقی، حسین، (۱۳۹۰)، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات جنگل، ص ۱۵۷

^۲ - Law commission, (2012), *Insanity and Automatism*, Publication of commission law, Supplementary Material to the Scoping Paper, program for reforming law Crown copyright, P15.

دردهمین برنامه اصلاح قانون در سال ۲۰۰۸^۱ مقرر گردید تا در خصوص وضعیت دفاع مبتنی بر مسلوب‌الارادگی و جنون، اصلاحات اساسی در قوانین انگلستان صورت پذیرد. به نحوی که اشخاصی که از یک اختلال روانی^۲ رنج می‌برند به نحو بهتری بتوانند از دفاعیت جنون^۳ و مسلوب‌الارادگی^۴ بهره ببرند. دفاع مبتنی بر جنون در انگلستان به شدت با قواعد مک‌ناتن^۵ که ترکیبی از مقررات قانونی و تصمیمات دادگاه‌های بالاتر است، آمیخته است. مسلوب‌الارادگی نیز یک دفاع مورد پذیرش در کامن‌لا است که در تمامی جرایم قابلیت استناد را دارد.^۶

نتیجه گیری

زمانی که شخصی مرتکب جرمی می‌گردد، در روند عادی و معمول رسیدگی کیفری، اتهام متوجه وی شده و در صورت اثبات اتهام، محکوم و مجازات نسبت به وی اعمال گردد. در حالیکه وجود «اراده» به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق مسئولیت کیفری در تمامی نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است، فقدان اراده و یا به عبارتی سلب اراده، ممکن است شخص مرتکب را در وضعیتی قرار دهد که در اصطلاح «مسلوب‌الاراده» یا شخص بدون اراده نامیده می‌شود. اعمال مسئولیت کیفری نسبت به شخصی که فاقد اراده است، با مبانی مسئولیت کیفری، در تضاد است. به همین دلیل اصل بر این است که شخص مسلوب‌الاراده، نایستی از نظر کیفری مسئول شناخته شود و یا حداقل اینکه مجازات نگردد. البته بدهی و طبیعی است که رفتار کشورها و نظام‌های حقوقی آنها با این مسأله متفاوت از یکدیگر است و لزوماً عین یکدیگر نیست. در این بین نظام حقوق کیفری انگلستان با دو ابداع خاص و ویژه خود که یکی تفکیک موارد مسلوب‌الارادگی، به مسلوب‌الارادگی ناشی از جنون و ناشی از سایر عوامل غیر از جنون است و دیگر این که رویه قضایی انگلیس با زرح قواع مک‌ناتن و تبیین و توسعه آن، الگویی را برای شناخت مفهوم جنون ارائه داده است که مورد توجه

۱- Tenth Programme of Law Reform (2008) Law Com No 311

۲- mental disorder

۳- insanity

۴- automatism

۵-M'Naghten Rules

۶- Law commission,(2012),Insanity and Automatism, Publication of commission law, 18 July 2012.P 32

کشورهای دیگر نیز قرار گرفته است. از طرف دیگر مبنای مسئولیت کیفری در نظام حقوق کیفری ایران، که برگرفته از فقه امامیه است و در قانون مجازات اسلامی مندرج گردیده است، ذیل عنوان موانع مسئولیت کیفری، بدون اینکه تقسیم بندی خاصی را در این مورد ارائه دهد و تحت مواد جداگانه، اختلال روانی در حد جنون، مسلوب‌الاختیاری به طور کلی ناشی از مصرف مسکرات، مواد روانگردان و مواد مخدر و هم چنین حالات خواب و بیهوشی و مانند آنها را به عنوان وضعیت‌های مسلوب‌الاردگی مطرح کرده است. علی‌رغم تمامی تلاش‌هایی که در هر دو نظام حقوقی برای تبیین و روشن ساختن مفهوم جنون صورت گرفته است، لیکن عدم قطعیت در اینکه مفهوم واقعی جنون چیست و هم چنین اختلافی که بین مفهوم حقوقی از جنون و مفهوم روان‌پزشکی آن وجود دارد، در هر دو نظام حقوقی دیده می‌شود. قواعد مک ناتن در انگلستان، علی‌رغم تمامی مشهوریت و معروفیت، می‌تواند در تمامی موارد به آسانی منتج به شناخت جنون شود. ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ایران در این خصوص، از ابهام بیشتری برخوردار است، زیرا ملاک را اختلال روانی که منجر به فقدان اراده و یا فقدان قوه تمیز گردد را برای احراز جنون در نظر گرفته است، در حالیکه معیارهای روان‌پزشکی برای احراز جنون، چیز دیگری است، یا حتی به عبارت بهتر، روان‌پزشکان، اصلاً به دنبال احراز جنون نیستند، آنها فقط وضعیت بیماریهای اشخاص را معلوم و مشخص می‌کنند. اینکه کدام بیماری را می‌توان جنون به مفهوم حقوقی دانست، نیازمند این است که مبانی حقوقی جنون با دانسته‌های روان‌پزشکی به یکدیگر نزدیک شده و معیار واحدی را در نظر بگیرند.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ ۲۱، تهران، نشر میزان.
۲. استولتینگ، رابرت، (۱۳۸۰)، اصول بیهوشی، مترجم مهدی نجفی، تهران: نشر سماط.
۳. انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۸)، فرهنگ فشرده سخن، جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن.
۴. اوزبی، ویلیام، (۱۳۷۱)، الفبای هیپنوتیزم؛ برگردان شیرین موسوی؛ به کوشش منوچهر شریفی. تهران: فراروان.
۵. پاردو، مانوئل، (۱۳۹۶)، مبانی بیهوشی میلر ۲۰۱۸، تهران: آرتین طب.
۶. ثمری، محمد، (۱۳۹۷)، رویکرد حقوق کیفری ایران در مبتلایان اختلالات روانی خطرناک، تهران: انتشارات آریان.

۳۸۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

۷. جزائری، سیدعباس، (۱۳۹۶)، حق اطلاع، عقلانیت و مصلحت، مستی، سه گفتار در حقوق کیفری، سامان: سامان دانش،
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش، چاپ سی ام،
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۸۲)، تاج اللغة، جلد یکم، تحقیق عبدالسلام هارون، تهران مؤسسه صادق،
۱۰. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۴)، مقاله مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری،
۱۱. حزینی بهرام آبادی، کامبیز، (۱۳۹۶)، مسوولیت کیفری مجانین در ایران، تهران: انتشارات راه دکتری: انتشارات سنجش و دانش،
۱۲. حسینی، سید محمد (۱۳۹۴) مقاله جنون به عنوان عامل رافع مسوولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان.
۱۳. حسینی، سید محمد، اعتمادی، امیر، (۱۳۹۴)، جنون به عنوان عامل رافع مسوولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۰،
۱۴. حسینی، سیدرضا، (۱۳۸۰)، حق دفاع متهم، مجله دادرسی، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۸۰،
۱۵. خدائی، محسن (۱۳۹۲)، بررسی مستی و خواب و بیهوشی بعنوان علل رافع مسوولیت کیفری، مجله دادرسی، سال اول،
۱۶. خزائی، احمدرضا، (۱۳۹۸)، بررسی فقهی حقوقی مرز جنون و عقل، تهران، میزان،
۱۷. خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۲)، طلب و اراده، ترجمه سید احمد فهری، تهران، انتشارات فرهنگی و اسلامی،
۱۸. زرگری مرنودی، داریوش، (۱۳۹۲)، پژوهشی پیرامون حرمت مسکرات در متون معتبر تفاسیر قرآن مجید و آثار و مجازات مربوطه در قوانین موضوعه، تهران: والقلم،
۱۹. شمس ناتری، محمدابراهیم وهمکاران، (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، نشرمیزان،
۲۰. شمس، عبدالله، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی پیشرفته، تهران، دراک، جلد اول، چاپ سی و هشتم،
۲۱. شهیدی، محمدحسن، (۱۳۹۱) مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه و رسم، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم،
۲۲. صادقی، سیدحسین، (۱۳۹۵)، تحولات مسوولیت کیفری مجانین، تهران: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان، ۱۳۹۵.
۲۳. طباطبایی حسینی، سید ناصر، (۱۳۹۴)، مسکرات در فقه و حقوق اسلامی، تهران: سخنوران،

احراز مفهوم مسلوب‌الاردگی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان.....۳۸۷

۲۴. عظیمی، سیروس (۱۳۵۶)، روانشناسی هیپنوتیزم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ اول،
۲۵. عمید، حسن، (۱۳۶۵)، فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران،
۲۶. عمیق، محسن، (۱۳۹۲)، کوشی در حقیقت اراده انسان، انسان پژوهی دینی، سال دهم، شماره سی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲،
۲۷. فتحعلی‌زاده، سیده نجمه، (۱۳۹۰)، هیپنوتیزم، تهران: هزاره ققنوس،
۲۸. کی‌نیا، مهدی، (۱۳۸۲)، «مبانی جرم‌شناسی»، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ششم،
۲۹. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۱)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان. چاپ بیست و دوم،
۳۰. گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرداد (۱۳۸۵)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت،
۳۱. محمد، روح‌الله، (۱۳۹۵)، بررسی علل و عوامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، زمستان ۱۳۹۵، دوره دوم، شماره ۴،
۳۲. معین، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم، جلد یکم،
۳۳. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۵)، مروری بر حقوق جزای انگلستان تهران، انتشارات حقوقدان، چاپ اول،
۳۴. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۰)، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات جنگل،
۳۵. میلر، رونالد، (۱۳۹۳)، مبانی بیهوشی میلر، مترجمین سیدمحمدرضاهاشمیان، نوید نورایی، تهران: تیمورزاده: نشر طیب،
۳۶. ناظمیان، علی، (۱۳۱۸)، مسلم بودن ضرورت حق دفاع، مجموعه حقوقی، شماره ۱۲۰،
۳۷. نجفی‌توانا، علی، (۱۳۸۵)، دفاع از حق دفاع، مجله وکالت، تیرماه ۱۳۸۵، شماره ۲۹ و ۳۰،
۳۸. نسرین، مهرا، (۱۳۹۲)، دانشنامه حقوق کیفری انگلستان، تهران، میزان، چاپ اول،
۳۹. نوربها، رضا (۱۳۸۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش،
۴۰. هاری آرنوز؛ (۱۳۷۴)، ترجمه حمید فرساد. کاربرد هیپنوتیزم در امور پلیسی و قضایی، اصفهان: حمید فرساد،

41. ALEXANDER KNOOPS, GEERT-JAN,(2008), DEFENSES IN CONTEMPORARY INTERNATIONAL CRIMINAL LAW ,Koninklijke Brill NV, Leiden, The Netherlands.Second Edition, P22.

42. Angus, Bancroft,(2009), Drugs, Intoxication and Society, Polity, Political Science,P65.

43. Ben W. Thompson,(2007), M'Naghten Rules, Trafford Publishing,P12.
44. Blackwell, Amy Hackney, (2008), The Essential Law Dictionary, First Edition, Illinois, Sphinx Publishing. P 74.
45. Blackwell, Amy Hackney, (2008), The Essential Law Dictionary, First Edition, Illinois, Sphinx Publishing. P 74.
46. Blackwell, Amy Hackney, (2008), The Essential Law Dictionary, First Edition, Illinois, Sphinx Publishing. P251.
47. Cameronm Jace,(2013), Insanity, CreateSpace Independent Publishing Platform,First edition,P 113.
48. Carl Elliott,(1996), the rules of insanity: moral responsibility and the mentally ill offender, SUNY Press, P10.
49. Child Jogn, Ormerod David, (2017) Smith, Hogan, and Ormerod's, Essentials of Criminal Law, Oxford University Press, Second Edition, P 214
50. Dressler, J. (1995), Justifications and Excuses, A Brief Review of the Concepts and the Literature, Wayne Law Review, p 182.
51. Elliott, Catherine &Quinn's , Frances ,(2018), Criminal Law, Pearson , Portable Documents, Twelve Edition.P 59.
52. Ellsworth Lapham Fersch,(2010), Thinking About Insanity, Religion, and Terrorism: Answers to Frequently Asked Questions with Case, iUniverse,P 153.
53. Ewing, Charles Patrick, (2008), Insanity : murder, madness, and the law , Oxford University Press, P3-4
54. Gardner , Thomas and Anderson, Terry,(2008), Criminal law, Creighton University School of Law, Printed in the United States of America, Tenth Edition. P 126
55. Gardner, John,(2007), Offences and Defences: Selected Essays in the Philosophy of Criminal Law, Oxford University Press, First Edition, P 59.
56. Garner, Bryan., (2009), Black's Law Dictionary, Ninth Edition, New York, Thomson Reuters. P865
57. Great Britain. Law Commission,(2009), Intoxication and Criminal Liability, The Stationery Office Business & Economics, P123,
58. John Parry,(2009), Criminal Mental Health and Disability Law, Evidence and Testimony, American Bar Association,P 502.
59. King. Peter,(2008), Crime and Law in England, Remaking Justice from the Margins, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York, P 14
60. Law commission,(2012),Insanity and Automatism, Publication of commission law, 18 July 2012.P 32
61. Law commission,(2012),Insanity and Automatism, Publication of commission law, Supplementary Material to the Scoping Paper, program for reforming law Crown copyright,P15.
62. Law commission,(2012),Insanity and Automatism, Publication of commission law, Supplementary Material to the Scoping Paper, program for reforming law Crown copyright,P10.

63. M’Naghten’s Case (1843) 10 Clark and Finnelly 200, (1843) 8 ER 718, [1843-60] All ER Rep 229 .
64. Mackay and Kearns,(2005), understanding Criminal Law , Cambridge University Press, Second Publications,P25
65. Melhizer,Eugene R(۲۰۰۶),Group Statute and Criminal Defenses, Missouri Law, p 38.
66. Melhizer,Eugene R,(2006), Group Statute and Criminal Defenses, Missouri Law, P9.
67. Mscheb,Hohn,(2012), Criminal law, University College of Law, Sixth Edition , Publisher/Executive Editor: Linda Schreiber-Ganster, P 399
68. P Sutherland and C Gearty,(1992)m “Insanity and the European Court of Human Rights,Criminal Law Review 418, P421.
69. PETER KING ,(2006), Crime and Law in England, Remaking Justice from the Margins, Cambridge University Press The Edinburgh Building, Cambridge cb2 2ru, UK, First published,P 12.
70. Philip John Rust, K. Venkoba Rao,(1958). Law & practice of hurt & homicide, Law Book Co,P714.
71. R Moran,(1981), Knowing Right from Wrong: The Insanity Defense of Daniel McNaughtan, P168 .
72. Reed,Alan and Bohlander, Michael,(2014), General Defences in Criminal Law: Domestic and Comparative Perspectives, Ashgate publishing imitated, P 19.
73. Roberts, James,(2000), Crime and Punishment, IDG Books Worldwide, Inc. An International Data Group Company Foster City, CA • Chicago, P 46.
74. Southern Daily Echo, “Man Sentenced Despite Not Guilty Verdict” (8 Jan 2012)
http://www.dailyecho.co.uk/news/9459324.Driver_spared_after_mayhem_on_M27/ (last visited 20 Mar 2019).
75. summarised on behalf of the Attorney General in A-G’s Reference (No 2 of 1992) [1994] QB 91.
76. Thomas Stephen Szasz,(1991), Ideology and Insanity: Essays on the Psychiatric Dehumanization of Man, Syracuse University Press,P204.
77. Thomas Szasz,(2015), Insanity, The Idea and Its Consequences,syracuse university press, second edition,P19
78. Weinstein, Raymond M,(2018)” madness” in George Ritzer(ed), the Blackwell Encyclopedia of sociology, Blackwell publishing,P2693.
79. Windle [1952] 2 QB 826, 833. Lord Goddard CJ emphasised the concept of “responsibility according to law”, but, with respect, it is not entirely clear what he meant by this in Windle nor in Rivett (1950) 34 Cr App Rep 87 .
80. <https://dictionary.abadis.ir/?lntype=dehkhoda,fatofa,moeen,amid/>
مسلوب

۳۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

81. <https://dictionary.abadis.ir/?lntype=fatoen,dehkhoda,fatofa,moeen,amid&word=اراده>
82. <https://dictionary.abadis.ir/fatofa/دفاع/>
83. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/defence>
84. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/volition>
85. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/defence>
86. <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/defence>
87. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/volition>